



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

# رهنمود حل و فصل مؤسسات مالی مشکل دار

منتشر شده توسط شرکت بیمه سپرده فدرال

(FDIC)

ژانویه ۲۰۱۹

گروه مترجمین:

حسین معصومی

زهرا عینی نژاد

معاونت نظارت

بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران

بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

معاونت نظارت

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

۵.....	فصل اول - مقدمه
۱۲.....	فصل دوم - رهنمود حل و فصل مالی در یک نگاه
۱۳.....	فرآیند حل و فصل
۱۴.....	روش‌های انجام حل و فصل
۱۵.....	نقش FDIC به عنوان مقام تصفیه
۱۸.....	فصل سوم - فرآیند حل و فصل
۲۰.....	زمان بندی حل و فصل
۲۲.....	تعیین استراتژی حل و فصل
۲۳.....	اطلاعات مؤسسه مالی
۲۳.....	بازبینی ارزش دارایی (AVR)
۲۴.....	عرضه مؤسسه اعتباری ورشکسته در بازار
۲۵.....	اتاق داده‌های مجازی (VDR)
۲۵.....	بررسی دقیق میدانی
۲۶.....	ثبت پیشنهادات مناقصه
۲۷.....	تجزیه و تحلیل حداقل هزینه
۲۹.....	مصوبه هیأت مدیره FDIC
۲۹.....	تفاهم نامه تصویب پیشنهادات ارایه شده در مناقصه
۳۰.....	بسته شدن مؤسسه
۳۱.....	فصل چهارم - انواع معاملات حل و فصل
۳۲.....	ابزار خرید و پذیرش (P&A)
۳۳.....	معاملات P&A پایه
۳۴.....	معاملات P&A کل بانک
۳۵.....	معاملات P&A با امکان تقبل اشتراکی ضرر
۳۶.....	معاملات بانک واسط و P&A
۳۸.....	پرداخت سپرده
۳۸.....	بازپرداخت مستقیم سپرده
۳۸.....	انتقال سپرده های بیمه شده (IDT)



- بانک ملی بیمه سپرده (DINB) ..... ۳۹
- سوابق قبلی روش های حل و فصل ..... ۳۹
- مساعدت به بانک در حال فعالیت (Open Bank Assistance - OBA) ..... ۴۰
- توافق حفظ درآمد ..... ۴۰
- برنامه مدارا با کمبودهای سرمایه مؤسسات ..... ۴۱
- برنامه استهلاک زیان تسهیلات ..... ۴۱
- تفکیک شعب ..... ۴۱
- فصل پنجم - فرآیند تصفیه - اقدامات پس از بسته شدن ..... ۴۳
- مقایسه با قانون ورشکستگی ..... ۴۴
- چرا FDIC به عنوان مقام تصفیه عمل می کند ..... ۴۶
- FDIC چگونه به یک مقام تصفیه تبدیل می شود ..... ۴۸
- عملکرد FDIC به عنوان مقام تصفیه ..... ۴۹
- عملکرد FDIC در خاتمه دادن به فعالیت یک مؤسسه ورشکسته ..... ۵۰
- حل و فصل دعاوی علیه بانک / مؤسسه ورشکسته ..... ۵۱
- پرداخت مطالبات ..... ۵۱
- اختیارات مخصوص در تصفیه ..... ۵۳
- تعلیق دعاوی قضایی ..... ۵۵
- اجتناب از نقل و انتقالات متقلبانه ..... ۵۵
- دفاعیات ویژه ..... ۵۶
- توافقات منعقد شده نادرست برای مقام تصفیه الزام آور نیست ..... ۵۶
- دادگاه ها ممکن است به مقام تصفیه دستور ندهند ..... ۵۷
- تصفیه با مؤسسه برنده مزایده ..... ۵۷
- واژه نامه ..... ۵۹

## رهنمود حل و فصل

### فصل اول - مقدمه

FDIC هر ساله اطلاعات و منابعی را در اختیار طیف وسیعی از افراد داخلی و خارجی که علاقه‌مند به دستاوردهای حل و فصل آن شرکت هستند قرار می‌دهد. بسیاری از کشورها - مشابه آنچه که ایالات متحده تجربه کرده - با مشکلاتی در سیستم‌های مالی خود مواجه می‌شوند. FDIC امیدوار است که با به اشتراک گذاشتن این اطلاعات به گفتمان بین‌المللی مورد نیاز برای ارتقای سیستم‌های بانکی پایدار و اقتصادهای مولد در سرتاسر دنیا کمک کند.

مخاطبان این نگارش، مقام ناظر و صادرکننده مجوز مؤسسات مالی، بانکداران مرکزی و دیگر علاقه‌مندان به روش‌های حل و فصل مؤسسات ورشکسته ایالات متحده هستند. این نگارش:

- فرآیند حل و فصل<sup>۱</sup> FDIC را توصیف می‌کند.
- تفاوت روش‌های مورد استفاده حل و فصل را طرح می‌کند.
- درباره روش‌هایی که قبلاً به جای حل و فصل استفاده شده است، اطلاعاتی را ارائه می‌دهد.
- وظایف FDIC را به عنوان تصفیه‌کننده<sup>۲</sup> تشریح می‌نماید.
- برخی از آموزه‌های مهم حل و فصل مؤسسات ورشکسته را مورد بررسی قرار می‌دهد.

FDIC به مدت بیش از ۸۰ سال بخش مهمی از سیستم مالی ایالات متحده بوده است. در طول رکود بزرگ، از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳، فعالیت حدود ۹۰۰۰ بانک متوقف یا تعلیق شد و یا ورشکست شدند. در مواجهه با این بحران، کنگره ایالات متحده، FDIC را از طریق قانون بانکداری سال ۱۹۳۳ تأسیس کرد. تأسیس FDIC نیز بنیان و اساس حال حاضر نظام بیمه سپرده‌ها در ایالات متحده را پی‌ریزی کرد.

مأموریت عمده و اصلی FDIC، حفظ، نگهداری و ارتقای اعتماد عمومی در سیستم مالی ایالات متحده به وسیله بیمه سپرده‌ها تا سقف محدوده قانونی ۲۵۰,۰۰۰ دلار و همچنین ارتقای الگوی فعالیت‌های بانکی با ثبات و سالم برای مؤسسات عضو بود.

مؤسسات عضو، حق بیمه سپرده‌ها را بر اساس ارزیابی و برآورد ریسک به صورت فصلی به صندوق بیمه FDIC می‌پردازند. FDIC از طریق ایفای نقش منحصر به فرد خود به عنوان بیمه‌گر سپرده و

<sup>۱</sup> Resolution process

<sup>۲</sup> Receiver



همچنین تعامل با سایر آژانس های نظارتی ایالتی و فدرالی، ثبات و سلامت مؤسسات سپرده پذیر تحت پوشش بیمه و کل نظام مالی ایالات متحده را به وسیله شناسایی، پایش و مدیریت ریسک های قابل انتقال به DIF (صندوق بیمه سپرده) و بازرسی بانک های تحت پوشش خود، ارتقا می دهد.

اهداف عمده و اصلی FDIC عبارتند از:

- ۱- بیمه نمودن سپرده ها
- ۲- حفاظت از سپرده گذاران بانک های بیمه شده از طریق نظارت و بازرسی آن بانک ها
- ۳- حل و فصل بانک های ورشکسته

DIF عمدتاً از طریق ارزیابی های سه ماهه بانک های بیمه شده تأمین مالی می شود، اما این صندوق همچنین از طریق سرمایه گذاری در اوراق بهادار و دریافت بهره آن، بخشی از منابع خود را تأمین می کند. منابع DIF با زیان مربوط به بانک های ورشکسته و هزینه های عملیاتی FDIC کاهش می یابد. FDIC برای انجام مأموریت خود، اقدامات زیر را انجام می دهد:

- FDIC با استفاده از ظرفیت خود به عنوان بیمه گر، اقدام به نگهداری و مدیریت DIF کرده و ریسک های آن را کنترل می کند. هرگاه یک مؤسسه سپرده پذیر فدرال تحت بیمه ورشکسته می شود، FDIC سپرده های بیمه شده را می پردازد و یا در بیشتر مواقع مقدمات انتقال حساب ها از مؤسسه ورشکسته به یک مؤسسه دیگر با فرض اینکه سالم باشد را فراهم و این انتقال را مدیریت می نماید.
- FDIC مسئولیت نظارت و مقررات گذاری مؤسسات سپرده پذیر فدرال بیمه شده در ایالات متحده را با دیگر ناظران فدرالی و مقامات بانکی ایالتی به اشتراک می گذارد. در میان آژانس های بانکی فدرال، OCC (The Office of the Comptroller of the Currency)<sup>۲</sup>، مسئول نظارت بر بانک های ملی و مؤسسات وام و پس انداز و تعاونی های اعتبار ملی است؛ سیستم فدرال رزرو (FRS) مسئول نظارت بر بانک های ایالتی عضو سیستم فدرال رزرو با همکاری مقامات نظارتی ایالتی و همچنین شرکت های هلدینگ بانکی است. FDIC با همکاری

<sup>۲</sup> دفتر حسابرسی ارز (OCC) یک دفتر مستقل از وزارت خزانه داری ایالات متحده است. OCC مرجع صادرکننده مجوز، مقام مقررات گذار و نظارت بر کلیه بانک های ملی، انجمن های پس انداز فدرال و شعب و نمایندگی های فدرال بانک های خارجی است.



مقام های ناظر ایالتی، مسئول نظارت بر بانک های ایالتی (که عضو FRS نیستند) و بانک ها و مؤسسات وام و پس انداز ایالتی تحت پوشش بیمه فدرال<sup>۴</sup> است.

- FDIC به عنوان مقام تصفیه کننده یا انحلال مؤسسات سپرده پذیر فدرال بیمه شده عمل می کند. در نقش تصفیه کننده، FDIC در فرآیند تصفیه، به همه بستانکاران و سایر ذینفعان تعهد امانت داری دارد به این صورت که در کوتاه ترین زمان ممکن حداکثر دارایی های مؤسسه و بانک ورشکسته را احیا و بازیابی نماید.

- بحران های مالی گذشته درس های بزرگی را در خصوص چگونگی حل و فصل اثربخش مؤسسات مالی ورشکسته به FDIC داده است. با حل و فصل یک مؤسسه/ بانک ورشکسته، FDIC به تعهدات خود در برابر سپرده گذاران مؤسسات و بانک های مزبور عمل و به حفظ تعادل سیستم بانکی کمک می کند.

فرآیند حل و فصل شامل ارزش گذاری یک مؤسسه ورشکسته، تلاش برای فروش یک مؤسسه ورشکسته به مؤسسات سالم، درخواست و پذیرش پیشنهاد برای فروش تمام یا بخشی از دارایی های مؤسسه و پذیرش سپرده ها (و برخی دیگر از بدهی ها)، تعیین پیشنهادی که کمترین هزینه را برای صندوق سپرده ها داشته باشد و همکاری با مؤسسه متعهد<sup>۵</sup> حین فرآیند بسته شدن (یا اطمینان از پرداخت سپرده های بیمه شده در صورتی که خریداری وجود نداشته باشد).

فرآیند تصفیه زمانی شروع می شود که مرجع صدور مجوز مؤسسه ورشکسته، مجوز او را لغو و FDIC را به عنوان تصفیه گر تعیین نماید. فرآیند تصفیه با عدم فعالیت مؤسسه ورشکسته؛ تسویه باقی مانده دارایی های مؤسسه ورشکسته؛ توزیع هرگونه عایدی حاصل از تسویه به FDIC و مشتریان مؤسسه ورشکسته که سپرده های آنها بیمه نشده است و نیز به طلبکاران عمومی و اشخاصی با مطالبات تایید شده، ادامه می یابد.

از سال ۱۹۳۳، FDIC، در دو دوره دیگر ورشکستگی مؤسسات مالی بزرگ را در ایالات متحده هدایت کرده است. اولین دوره بحران پس انداز و وام (S&L) از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ بود، که ۱۶۱۷ بانک و ۱۲۹۵ مؤسسه پس انداز و وام ورشکسته شدند و یا به کمک مالی نیاز داشتند. عواملی که منجر به

<sup>۴</sup> FDIC-insured state-chartered savings banks

<sup>۵</sup> Assuming Institution (AI)





بحران مزبور شدند، تورم، نرخ بهره بالا، مقررات زدایی و رکود بودند. در سال ۱۹۸۷، صندوق بیمه شرکت بیمه پس انداز و وام فدرال<sup>۶</sup> ورشکسته اعلام شد.

با این حال، تا زمانی که در سال ۱۹۸۹ توسط کنگره آمریکا منحل شد FSLIC به تسویه و انحلال مؤسسات پس انداز و وام ورشکسته ادامه داد. کنگره مسئولیت حل و فصل و تصفیه FSLIC را به مؤسسه RTC<sup>۷</sup> (یک نهاد موقت برای رسیدگی به مؤسسات پس انداز ورشکسته در طول بحران تاسیس شده بود) محول نمود.

کنگره همچنین مسئولیت بیمه نمودن سپرده های مؤسسات وام و پس انداز و نیز همکاری با مؤسسه RTC در طرح ریزی و توسعه یک برنامه برای هدایت بحران و حل و فصل صدها مؤسسه پس انداز<sup>۸</sup> ورشکسته را به FDIC محول کرد. زمانی که RTC در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵ منحل شد. وظایف مرتبط با حل و فصل و تصفیه مؤسسات پس انداز و وام به FDIC منتقل شد. در طول ۶ سال حیات RTC، این مؤسسه، ۷۴۷ مؤسسه پس انداز و وام را تصفیه کرد. در سال ۱۹۹۷، تنها یک بانک ورشکسته وجود داشت و هیچ موردی از ورشکستگی مؤسسات پس انداز و وام وجود نداشت.

بحران وام های رهنی (۲۰۰۸-۲۰۱۳) دومین دوره ورشکستگی بزرگ مؤسسات مالی بود. FDIC در سال ۲۰۰۸، ۲۵ مؤسسه، در سال ۲۰۰۹، ۱۴۰ مؤسسه در سال ۲۰۱۰، ۱۵۷ مؤسسه، در سال ۲۰۱۱، ۹۲ مؤسسه، در سال ۲۰۱۲، ۵۱ و در سال ۲۰۱۳، ۲۴ مؤسسه را منحل کرد. این بحران توسط عواملی در حوزه های بازارهای اعتباری و مسکن در طی سالها به وجود آمده بود. این عوامل شامل ناتوانی مالکان منازل در بازپرداخت وام های رهنی خود (در وهله اول به دلیل افزایش وام مسکن با نرخ قابل تنظیم<sup>۹</sup>، تمدید وام های تسهیلات گیرندگان، وام های غارتگرانه و سفته بازی)، ساخت و ساز بیش از حد در طول دوره رونق املاک و مستغلات، بالابودن سطح بدهی اشخاص حقیقی و حقوقی، سیاست های معیوب در حوزه پولی و بخش مسکن، عدم تعادل تجارت بین المللی و مقررات دولتی سهل گیرانه بود.

<sup>۶</sup> Federal Savings and Loan Insurance Corporation

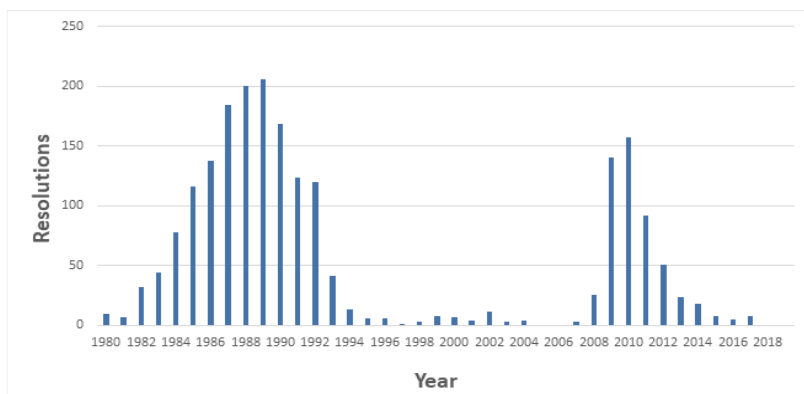
<sup>۷</sup> Resolution Trust Corporation

<sup>۸</sup> Thrift

<sup>۹</sup> Adjustable-Rate Mortgages



شکل یک- اقدامات حل و فصل FDIC طی سالهای ۲۰۱۸-۱۹۸۰



در ۲۱ جولای سال ۲۰۱۰ لایحه اصلاحات و حمایت از حقوق مصرف کننده دادفرانک وال استریت تبدیل به قانون شد. این قانون قدرت بیشتری را در جهت حل و فصل مؤسسات مالی مربوط، برای FDIC فراهم کرد.

FDIC علاوه بر مقررات گذاری در خصوص مؤسسات وام و پس انداز ایالتی، مدیریت دفتر نظارت بر مؤسسات وام<sup>۱۰</sup> را نیز بر عهده گرفت.

از شروع فعالیت بیمه FDIC از ۱ جولای سال ۱۹۳۴، هیچ سپرده گذاری سپرده بیمه شده خود را در نتیجه ورشکستگی مؤسسات مالی از دست نداد. تعدادی از نقاط عطف قابل توجه بیمه سپرده FDIC به قرار زیر است:

- ۱۹۳۴ - پوشش بیمه سپرده ابتدا تا ۲,۵۰۰ دلار تعیین شد و در اواسط سال تا ۵,۰۰۰ دلار افزایش یافت.
- ۱۹۵۰ - بیمه سپرده تا ۱۰,۰۰۰ دلار افزایش یافت.
- ۱۹۶۶ - بیمه سپرده تا ۱۵,۰۰۰ دلار افزایش یافت.
- ۱۹۶۹ - بیمه سپرده تا ۲۰,۰۰۰ دلار افزایش یافت.
- ۱۹۷۴ - بیمه سپرده تا ۴۰,۰۰۰ دلار افزایش یافت.
- ۱۹۸۰ - بیمه سپرده تا ۱۰۰,۰۰۰ دلار افزایش یافت.
- ۱۹۸۹ - RTC برای حل مشکل مؤسسات وام و پس انداز تأسیس شد.
- ۲۰۰۶ - بیمه سپرد برای حسابهای بازنشستگی شخصی به ۲۵۰,۰۰۰ دلار افزایش یافت.

<sup>۱۰</sup> Office of Thrift Supervision



- ۲۰۰۸- قانون تثبیت اضطراری اقتصادی در سال ۲۰۰۸ امضا شد و به طور موقت بیمه سپرده را از ۱۰۰،۰۰۰ دلار به ۲۵۰،۰۰۰ دلار برای هر سپرده گذار افزایش داد.
- FDIC برای تسریع در تعیین سپرده های تحت بیمه، قوانین پوشش بیمه سپرده را برای حسابهای امانی برگشت پذیر<sup>۱۱</sup> ساده نمود.
- برنامه ضمانت نقدینگی موقت ایجاد شد که به موجب آن پوشش کامل بیمه را برای حسابهای سپرده معاملاتی بدون سود<sup>۱۲</sup> صرف نظر از میزان این سپرده ها فراهم کرد.
- ۲۰۱۰- لوایح اصلاحات دادفرانک وال استریت<sup>۱۳</sup> و حمایت از مصرف کننده<sup>۱۴</sup> به قانون تبدیل شدند. بیمه سپرده به طور دائمی، برای هر طبقه مالکیت حساب به ازای هر سپرده گذار به ۲۵۰،۰۰۰ دلار افزایش یافت.

<sup>۱۱</sup> Revocable Trust Accounts

<sup>۱۲</sup> noninterest-bearing transaction deposit accounts

<sup>۱۳</sup> The Dodd-Frank Wall Street Reform

<sup>۱۴</sup> Consumer Protection Act



## فصل دوم – رهنمود حل و فصل مالی در یک نگاه

در طول سال‌ها، تعداد بسیار زیاد مؤسسات ورشکسته در جریان چرخه‌های مختلف اقتصادی، طیف وسیعی از تجربیات حل و فصل را برای FDIC به همراه داشته است. یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های FDIC جلب و حفظ اعتماد عمومی به سیستم مالی کشور است. هنگامی که مؤسسه مالی تحت بیمه ورشکست می‌شود، FDIC این مأموریت را از طریق پرداخت سریع و اثربخش سپرده‌های بیمه شده و با به حداقل رساندن اثرات ورشکستگی مؤسسه بر اقتصاد محلی به انجام می‌رساند. در ادامه خلاصه‌ای از کلیات آنچه که در این رهنمود ارائه شده، آورده شده که شامل مجموعه‌ای از آموزه‌های حل و فصل و تصفیه FDIC در طول تاریخ خود است.

### فرآیند حل و فصل

اقدامات حل و فصل هنگامی آغاز می‌شود که مقام ناظر، FDIC را در خصوص احتمال ورشکستگی یک مؤسسه مطلع می‌نماید. پس از اطلاع‌رسانی، FDIC با مدیرعامل مؤسسه ذی‌ربط ارتباط برقرار می‌کند و ترتیبی می‌دهد که کارشناسان جهت جمع‌آوری اطلاعات برای آماده‌سازی تعطیلی احتمالی، به مؤسسه مراجعه نمایند. در طول این بازدید میدانی، FDIC ساختار مالی و اجرایی مؤسسه را تحلیل می‌کند. سپس یک یا چند ابزار و فرآیند حل و فصل را انتخاب و به متقاضیان و مناقصه‌گران بالقوه ارائه می‌دهد.

FDIC توصیه‌نامه‌ای کتبی به هیأت مدیره مؤسسه در حال ورشکستگی ارسال می‌دارد تا آنها تصمیمات حل و فصل برای شروع بررسی‌های دقیق مورد نیاز توسط متقاضیان و مناقصه‌گران احتمالی را اتخاذ نمایند. FDIC همچنین به طور محرمانه اقدام به بازاریابی برای فروش مؤسسه در حال ورشکستگی به گروهی از متقاضیان و مناقصه‌گران احتمالی می‌نماید تا آنها را برای رقابت تشویق نماید. ارتباط و تماس اولیه با مؤسسات سپرده‌پذیر بیمه شده حاوی هیچ‌گونه اطلاعات معین در رابطه با مؤسسه مشکل‌دار نیست.

یک VDR یا اتاق داده مجازی تأسیس می‌شود تا اطلاعات مؤسسه در حال ورشکستگی را به متقاضیان و مناقصه‌گران احتمالی، ارائه دهد. به منظور دسترسی به اتاق داده مجازی، متقاضیان و مناقصه‌گران احتمالی باید یک قرارداد محرمانگی را امضا نمایند. همه اطلاعات و فرصت‌ها به صورت



یکسان برای همه متقاضیان یا مناقصه‌گران احتمالی، ارائه می‌شوند و بنابراین هیچ متقاضی، مزیتی بر دیگران ندارد. مقادیر مزایده به منظور مقایسه سریعتر پیشنهادات ثبت شده فراهم می‌شود. در صورت امکان، به همه متقاضیان احتمالی فرصت بررسی‌های دقیق میدانی در محل مؤسسه داده می‌شود. قبل از اینکه FDIC متقاضی یا مزایده‌گری را که در این فرآیند پیروز شده است مطلع نماید، با مقام ناظر مؤسسه تماس برقرار می‌کند تا مجوز تأیید معامله را اخذ نماید.

پیشنهادات باید تا قبل از مهلت مقرر برای ثبت، ارائه شوند. عموماً پیشنهادات شامل دو بخش می‌شوند: بخش اول مربوط به حق امتیاز و پرداخت سپرده‌ها و بخش دوم مربوط به دارایی‌های مؤسسه. با تصویب قانون بهبود شرکت بیمه سپرده فدرالی (FDICIA)<sup>۱۰</sup> در سال ۱۹۹۱، FDIC، رویه‌های حل و فصل خود را در جهت کاهش هزینه‌های تحمیلی بر صندوق بیمه فدرال اصلاح کرد. این روش‌های جدید، FDIC را ملزم کرد تا در جریان حل و فصل یک مؤسسه در حال ورشکستگی، معامله و پیشنهادی که کمترین هزینه حل و فصل را بر DIF تحمیل می‌کند، انتخاب نماید. تا پیش از تصویب FDICIA، FDIC ملزم به استفاده از کم‌هزینه‌ترین پیشنهاد نبود و تا زمانی که هزینه حل و فصل کمتر از هزینه انحلال بود می‌توانست هر ابزار حل و فصلی را انتخاب کند. آخرین مرحله فرآیند حل و فصل، بستن مؤسسه و تعیین FDIC به عنوان مقام تصفیه توسط مقام صدور مجوز مؤسسه در حال ورشکستگی می‌باشد. تمام فرآیند حل و فصل از جمله اقدامات خاتمه فعالیت و بستن مؤسسه، بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های بعد از خاتمه فعالیت و فرآیند تصفیه و انحلال، عموماً ۹۰ روز یا کمتر به طول می‌انجامد.

### روش‌های انجام حل و فصل

برای به حداقل رساندن اختلال ناشی از ورشکستگی مؤسسات به جامعه، FDIC باید فرآیند حل و فصل را تا حد امکان سریع و روان انجام دهد. در حال حاضر (در سال ۲۰۱۴)، FDIC از دو روش اساسی حل و فصل استفاده می‌نماید:

- ۱- معاملات خرید و پذیرش (P&A)
- ۲- بازپرداخت سپرده‌های بیمه شده.



متداول ترین روش برای حل و فصل یک مؤسسه اعتباری ورشکسته، معاملات خرید و پذیرش (P&A) است که به چند روش مختلف انجام می شود. در معاملات خرید و پذیرش (P&A)، یک مؤسسه اعتباری سالم بر اساس شرایطی که در مفاد قرارداد معامله خرید و پذیرش (P&A) مقرر شده است، با خرید تمام یا بخشی از دارایی های مؤسسه اعتباری ورشکسته و به عهده گرفتن تمام یا بخشی از تعهدات و بدهی های آن - که باید شامل تمام سپرده های بیمه شده باشد - موافقت می نماید.

در بازپرداخت سپرده، FDIC به عنوان بیمه گر، به همه سپرده گذاران بیمه شده مؤسسه اعتباری ورشکسته، پرداخت انجام می دهد. این گزینه حل و فصل تنها در صورتی انجام می شود که FDIC پیشنهادی برای معامله خرید و پذیرش (P&A) با هزینه پایین تر دریافت نکند.

سایر روش های حل و فصل که فعلاً مورد استفاده قرار نمی گیرند عبارتند از: برنامه های گواهی ارزش خالص Net Worth Certificate Programs، قراردادهای حفظ درآمد Income Maintenance Agreements، برنامه های تاب آوری سرمایه Capital Forbearance Programs و برنامه های استهلاک زیان وام Loan Loss Amortization Programs.

### نقش FDIC به عنوان مقام تصفیه

برای عهده دار شدن مقام تصفیه مؤسسه اعتباری ورشکسته، FDIC باید به وسیله مقام صادر کننده مجوز مؤسسه مزبور یا مقام ناظر فدرالی به این مقام منصوب گردد و یا FDIC می تواند تحت قانون FDICIA خود را به عنوان مقام تصفیه منصوب کند. از بسیاری جهات، اختیارات FDIC به عنوان مقام تصفیه مؤسسه اعتباری ورشکسته مانند یک «متولی ورشکستگی Bankruptcy Trustee» است. مثل یک متولی ورشکستگی، مقام تصفیه نقش های مؤسسه اعتباری ورشکسته را عهده دار می شود اما با حقوق و مسئولیت های متفاوت. قانون فدرالی، اختیاراتی را برای FDIC قائل می شود که فرآیند تسویه و انحلال مؤسسات ورشکسته را سرعت ببخشد تا اولاً اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی کشور حفظ و ثانیاً اثربخشی هزینه کرد در فرآیند تصفیه را برای حفظ قوای صندوق بیمه، حداکثر نماید. بلافاصله بعد از ورشکستگی، اولین وظیفه مقام تصفیه این است که محل و ساختمان های مؤسسه ورشکسته و تمام مدارک موجود آن را توقیف و از آنها محافظت نماید. گام بعدی اطلاع رسانی



به عموم مردم در خصوص بسته شدن مؤسسه است و این که به عموم این اطمینان را بدهد که سپرده های بیمه شده در این مؤسسه اعتباری برای سپرده گذاران محفوظ هستند. قانون فدرالی اختیارات خاص زیر را برای مقام تصفیه گر در خصوص ورشکستگی یک مؤسسه در نظر گرفته است:

- مقام تصفیه می تواند قراردادهای مؤسسه اعتباری ورشکسته را که سنگین و تحمیلی می داند، به جز قراردادهای وام، رد و ابطال کند.
- مقام تصفیه به عنوان طرف دعاوی قضایی جاری علیه مؤسسه اعتباری ورشکسته جایگزین می شود. در صورت درخواست مقام تصفیه، دادگاه باید فرآیند دعاوی قضایی را به مدت ۹۰ روز متوقف کند. این توقف ۹۰ روزه به مقام تصفیه زمان می دهد تا مدارک و حقایق را ارزیابی نموده و در خصوص ادامه مسیر تصمیم گیری نماید. مقام تصفیه همچنین این اختیار را دارد که دعاوی قضایی را از دادگاه ایالتی به دادگاه فدرالی منتقل نماید.
- مقام تصفیه می تواند از نقل و انتقالات قطعی شده توسط متعهدین مؤسسه اعتباری که جعلی به نظر می رسند، (از ۵ سال قبل تا ۵ سال بعد از تاریخ انتصاب مقام تصفیه) در صورتی که به قصد مانع تراشی، تأخیر یا فریب مؤسسه اعتباری باشد، جلوگیری کند.
- قوانین فدرالی «دفاعیات ویژه ای» را برای FDIC در نقش مقام تصفیه فراهم می کند تا زمینه حل و فصل کارآمد یک مؤسسه اعتباری ورشکسته فراهم شود. البته هم قوانین و هم تصمیمات دادگاه اذعان دارند که این دفاعیات نمی تواند چه به عنوان طرح دعوی و چه برای دفاع در مقابل دعوی مطرح شده علیه مقام تصفیه استفاده شود؛ مگر اینکه توافقی در سوابق مؤسسه مستند شده باشد.

❖ کنگره همچنین برای FDIC به عنوان مقام تصفیه، حمایت های مضاعفی را از طریق منع دادگاه ها از صدور دستورات منجر به ایجاد وقفه در فعالیت های حل و فصل و انحلال مؤسسه اعتباری، فراهم می کند.

از مقام تصفیه انتظار می رود که بازده دارایی های (ROA) مؤسسه اعتباری ورشکسته را حداکثر و زیان های صندوق بیمه ناشی از بسته شدن مؤسسه اعتباری مزبور را به حداقل برساند. یک مقام تصفیه می تواند برای دارایی های مؤسسه اعتباری ورشکسته بازاریابی کرده و آنها را به فروش





برسانند و عواید آن را بین بستانکاران مؤسسه اعتباری توزیع نمایند. FDIC به عنوان مقام تصفیه، از حقوق، اختیارات و امتیازات مؤسسه اعتباری ورشکسته و سهامداران، هیئت‌مدیره و سایر مدیران آن برخوردار می‌شود. FDIC همچنین می‌تواند یک مؤسسه اعتباری ورشکسته را با مؤسسه سپرده‌پذیر موجود دیگر یا یک مؤسسه اعتباری که با مجوز جدید و با ماهیت دولتی ایجاد می‌شود و موسوم به بانک پل (Bridge Bank) است، ادغام نماید. مقام تصفیه در تحت هدایت یا نظارت هیچ مرجع نظارتی دیگری نیست. در نهایت، زمانی که امور مؤسسه ورشکسته به نتیجه برسد، اختیارات و مجوز مقام تصفیه خاتمه می‌یابد.



## فصل سوم – فرآیند حل و فصل

در فرآیند حل و فصل، FDIC دو نقش بر عهده دارد:

در نقش اول، با استفاده از ظرفیت‌های مبتنی بر فلسفه وجودی شرکتی خود، به عنوان بیمه کننده همه سپرده‌های مؤسسات اعتباری تحت بیمه عمل می‌کند. به این معنی که FDIC تضمین می‌دهد که مشتریان مالک سپرده‌های موجود در مؤسسات اعتباری ورشکسته، تمام مقادیر سپرده‌ی خود را تا حد بیمه شده دریافت خواهند کرد.

در نقش دوم، FDIC به عنوان تصفیه‌گر مؤسسه اعتباری ورشکسته عمل می‌کند و عملیات تصفیه دارایی‌های آن را به نفع طلبکاران مدیریت می‌نماید.

زمانی که یک مؤسسه اعتباری بیمه شده توسط FDIC نزدیک به ورشکستگی است، FDIC از طریق فروش امتیازات مؤسسه در حال ورشکستگی، شامل سپرده‌ها، مکان شعب، و دارایی‌های آن، فوراً اقدام به حل و فصل آن می‌نماید. فرآیند حل و فصل در مدت زمان کوتاهی به انجام می‌رسد تا اختلال در جامعه به حداقل برسد و از پیامدهای منفی برای اقتصاد ملی جلوگیری نماید. اهداف اولیه فرآیند حل و فصل، دسترسی سریع سپرده‌گذاران به منابع بیمه شده‌شان و حل و فصل مؤسسه در حال ورشکستگی با کمترین هزینه است.

دو روش اساسی برای حل و فصل مؤسسات در حال ورشکستگی در دسترس است.

- **معامله خرید و تعهد (P&A)** که عبارت است از یک معامله حل و فصل بین FDIC با استفاده از ظرفیت و نقش تصفیه‌گری خود و یک مؤسسه اعتباری سالم تحت عنوان مؤسسه تعهدپذیر (AI).

- **بازپرداخت سپرده (Payoff)** که موقعیتی است که FDIC به عنوان بیمه‌گر، مبالغ سپرده سپرده‌گذاران در مؤسسه اعتباری ورشکسته را تا حدود بیمه شده پرداخت می‌نماید. سقف بیمه FDIC +،+،+ ۲۵۰ دلار به ازای هر سپرده‌گذاری برای هر طبقه مالکیت حساب است. هر مقداری بیش از این حد، از جمله بهره متعلقه، بیمه نمی‌شود.

با گذشت سال‌ها، از رهگذر دست و پنجه نرم کردن با موج‌های ورشکستگی مؤسسات اعتباری تحت شرایط چالش‌برانگیز اقتصادی، این روش‌های اساسی حل و فصل به روز شده‌اند. اگرچه ملاحظات مربوط به هزینه‌ها، روش حل و فصل یک مؤسسه ورشکسته را تعیین می‌کند، لیکن FDIC هنوز



اختیارات کافی برای متناسب سازی روش های حل و فصل خاص برای مؤسسات اعتباری را در چارچوب مشخص دارد. ممکن است شرایط تحمیل کند که روش های حل و فصل مورد استفاده به طور قابل توجهی اصلاح شوند.

### زمان بندی حل و فصل

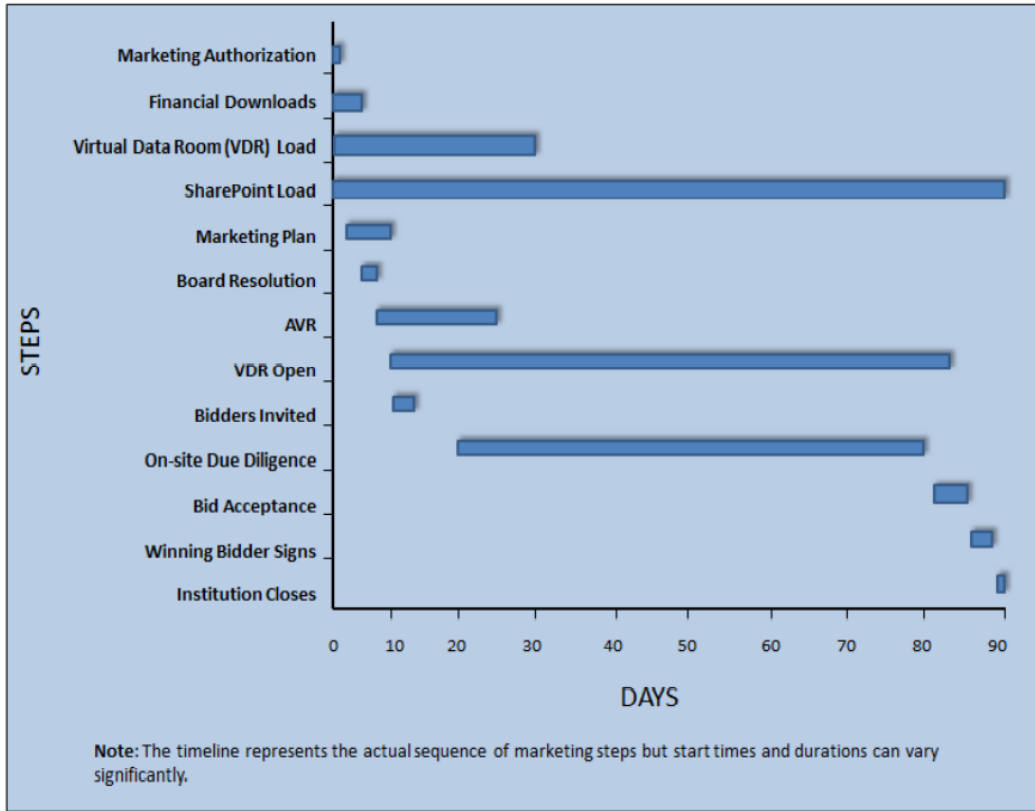
اقدامات رسمی حل و فصل از سوی FDIC زمانی آغاز می شود که مرجع صدور مجوز مؤسسه اعتباری، یک نامه "اقدام اصلاح سریع" را به مؤسسه اعتباری در حال ورشکستگی ارسال می کند و اطلاع می دهد که مؤسسه مزبور به صورت بحرانی دارای کمبود سرمایه یا ناتوان از پرداخت دیون خود است. (بخش ۳۸ قانون بیمه سپرده فدرالی (قانون FDI) عموماً الزام می نماید که یک مؤسسه سپرده پذیر بیمه شده، طی ۹۰ روز پس مشخص شدن وضعیت بحرانی سرمایه مؤسسه اعتباری مربوط یا ناتوانی آن در پرداخت دیون و تعهدات، در فرایند تصفیه قرار گیرد.) در این هنگام، نماینده ای از قسمت حل و فصل و تصفیه FDIC (DRR)<sup>۱۶</sup> با هیأت مدیره مؤسسه اعتباری در حال ورشکستگی ملاقات می نماید تا (۱) فرآیند حل و فصل را برای آنها تشریح نماید، (۲) مصوبه ای را از هیأت مدیره دریافت نماید که اجازه می دهد مؤسسات ذینفع و مورد تأیید نظارتی در این خصوص بررسی دقیق انجام دهند و (۳) اطلاعات وام ها و سپرده های مؤسسه را به منظور تجزیه و تحلیل سبد وام ها و سپرده های بیمه شده، درخواست و دریافت کند. یک تیم بازاریابی مجرب مجاز برای کار در مؤسسه در حال ورشکستگی منصوب می شود تا اطلاعات مورد نیاز را برای استفاده FDIC و خریداران بالقوه جمع آوری نماید.

گاهی اوقات، فرآیند حل و فصل معمول نمی تواند قبل از ورشکستگی مؤسسه اعتباری کامل شود؛ مانند مواردی که مشکل نقدینگی ناگهانی/شدید رخ می دهد یا کلاهبرداری. در این موارد، ممکن است FDIC، برای ارزش گذاری دارایی ها، زمان کافی نداشته باشد. تحت این سناریو، FDIC در حالی که راه حل های فوری بیشتری را برای سپرده ها و سایر بدهی های مؤسسه اعتباری در حال ورشکستگی سازمان دهی می کند، دارایی های مؤسسه اعتباری یاد شده را نیز حفظ می کند. برنامه زمان بندی یک فرآیند حل و فصل معمولی در شکل ۲ تشریح شده است.

<sup>۱۶</sup> FDIC's Division of Resolutions and Receiverships (DRR)



Figure 2: Timeline of a Typical Resolution Process





## تعیین استراتژی حل و فصل

پس از تماس اولیه با مؤسسه در حال ورشکستگی، قسمت حل و فصل و تصفیه FDIC یک یا چند نماینده را به مؤسسه اعتباری می‌فرستد تا اطلاعات لازم را برای متقاضیان، جهت مشاهده در VDR جمع‌آوری نمایند. اطلاعات جمع‌آوری شده از مؤسسه در حال ورشکستگی، برای تعیین استراتژی‌های حل و فصل مناسب به منظور ارائه به خریداران بالقوه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تعیین و اجرای استراتژی‌های حل و فصل، FDIC موارد زیر را در نظر می‌گیرد:

- ترکیب دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه ورشکسته.
- وضعیت نقدینگی مؤسسه ورشکسته.
- قابلیت عرضه مجوزهای مؤسسه ورشکسته در بازار با توجه به شرایط رقابتی و اقتصادی بازار منطقه فعالیت مؤسسه.
- زمان در دسترس جهت بازاریابی مؤسسه ورشکسته پیش از ورشکستگی.
- سایر اطلاعات مرتبط مانند تخلفات و تقلب‌های احتمالی در مؤسسه.

بر اساس این اطلاعات، FDIC بهترین ساختار را برای فروش مؤسسه تعیین می‌کند. به طور معمول FDIC بیش از یک نوع معامله P&A پیشنهاد و ارائه می‌نماید تا به خریداران بالقوه انعطاف‌پذیری بیشتری بدهد، میان آنها رقابت را افزایش دهد و از حل و فصل با حداقل هزینه اطمینان حاصل کند. شرایط هر یک از معاملات P&A پیشنهادی، بر روی نحوه برخورد با سپرده‌ها و دارایی‌های مؤسسه در حال ورشکستگی تمرکز دارد. شرایط مزبور، انواع و میزان دارایی‌هایی را که به خریداران بالقوه منتقل خواهد شد، دارایی‌هایی را که FDIC می‌خواهد حفظ کند، شرایط فروش دارایی‌ها، مانند تقسیم زیان و وضعیت مجموعه دارایی‌هایی با انتخاب اختیاری و همچنین شرایط خاص دیگر هر یک از بخش‌های مختلف هر معامله P&A پیشنهادی را پوشش خواهد داد.

گاهی اوقات FDIC نمی‌تواند تمام فرآیند حل و فصل را قبل از ورشکستگی مؤسسه به دلیل مشکلات نقدینگی ناگهانی یا شدید، (مانند هجوم سپرده‌گذاران) تکمیل نماید. در این گونه موارد، معمولاً FDIC زمان لازم برای بررسی دارایی‌های مؤسسه را به صورت حضوری ندارد؛ لذا FDIC از مدل تحقیقاتی<sup>۱۷</sup>



خود برای ارزش گذاری تمام یا بیشتر دارایی های مؤسسه (غیر از وام های اعطایی) و از روش بررسی ارزیابی کل دارایی<sup>۱۸</sup> برای ارزش گذاری وام های اعطایی و سایر دارایی های مستغلات استفاده می کند. مدل تحقیقاتی مبتنی بر تجربه تاریخی FDIC از بازیابی و احیای نمونه ای از ورشکستگی های بانکی قبلی است، و روش بررسی ارزیابی کل دارایی ها مبتنی بر ارزیابی مقادیر انواع مشابهی از دارایی های بانک هایی است که اخیراً ورشکست شده اند. در این گونه موارد، FDIC با احتمال بیشتری دارایی های مؤسسه ورشکسته را حفظ خواهد نمود و در همین حال، راه حل فوری دیگری برای سپرده ها و سایر بدهی های مؤسسه سازماندهی می کند. یکی از اولین روش های در دسترس در مواجهه با این قبیل موارد، انتقال سپرده های بیمه شده به مؤسسه اعتباری دیگری است (یعنی صرفاً بازپرداخت سپرده های بیمه شده) و یا تأسیس یک بانک واسط<sup>۱۹</sup> است.

### اطلاعات مؤسسه مالی

به عنوان بخشی از فرآیند حل و فصل، FDIC اطلاعات با جزئیات بیشتری را در خصوص دارایی ها و بدهی های مؤسسه اعتباری در حال ورشکستگی جمع آوری می کند؛ اطلاعاتی راجع به سپرده ها، امکانات، تسهیلات و شعب بانک، مشخصات سبد وام مؤسسه، اوراق بهادار، فناوری و سیستم های اطلاعات، قراردادهای اجاره نامه ها، واحدهای مستقل فرعی و شرکت های تابعه، فعالیت های تخصصی مانند منبع وام های رهنی، فرآیندهای اجرایی کارت های اعتباری و عملیات بین المللی.

### بازبینی ارزش دارایی<sup>۲۰</sup> (AVR)

تخمین دارایی مؤسسه در حال ورشکستگی توسط FDIC موضوع بسیار مهمی است. این ارزیابی برای برآورد هزینه تصفیه و پرداخت بدهی های مؤسسه و نیز برآورد هزینه های روش های مختلف حل و فصل، جهت تعیین روشی با کمترین هزینه، مورد استفاده قرار می گیرد. FDIC به منظور تکمیل این اقدام، می تواند از خدمات پیمانکاران متخصص در حوزه های مربوط، بهره برداری کند.

<sup>۱۸</sup> Aggregate Asset Valuation Review

<sup>۱۹</sup> Bridge Bank

<sup>۲۰</sup> Asset Valuation Review



سبب دارایی مؤسسه ورشکسته براساس انواع دارایی‌ها طبقه‌بندی می‌شود، مانند وام به اعضای یک خانواده، وام‌های اعطایی بابت املاک تجاری و وام‌های اقساطی. سپس یک نمونه‌گیری از کل وام‌ها انجام می‌شود که به طور مناسب نمایان‌گر ارزش‌گذاری و مشخصات اعتباری سبب دارایی‌ها باشد. برآوردی از زیان انباشته برای هر نمونه از دارایی، با این فرض که دارایی‌ها تا زمان سررسید و با هدف بازیابی حداکثری حفظ می‌شوند، محاسبه می‌شود که زیان‌های انباشته کل دارایی‌ها را منعکس می‌کند. ارزش بازاری هر دارایی نیز تخمین زده می‌شود که نمایانگر ارزش فروش نقدی بازار ثانویه آن دارایی‌ها است و در واقع ارزش خالص فعلی جریان‌های نقدی پیش‌بینی شده که بر روی بازدهی سرمایه بازار فعلی تنزیل شده است را نشان می‌دهد. نهایتاً برآوردهای ارزش بازار و زیان انباشته حاصله برای دارایی‌های نمونه، به تمام دارایی‌های سبب دارایی مؤسسه ذی‌ربط تعمیم داده می‌شود.

### عرضه مؤسسه اعتباری ورشکسته در بازار

هنگامی که استراتژی حل و فصل مشخص شد، FDIC با رعایت تمام جنبه‌های محرمانگی، فرآیند بازاریابی برای فروش دارایی‌های مؤسسه ورشکسته به دسته‌ای از خریداران بالقوه مورد تأیید را شروع می‌نماید. معیار مورد استفاده برای انتخاب خریداران بالقوه تأیید شده شامل؛ منطقه جغرافیایی، وضعیت سهم اقلیت، میزان دارایی، میزان سرمایه و رتبه‌بندی‌های نظارتی است. وقتی که فهرست خریداران تهیه شد، FDIC باید از مرجع نظارتی ناظر/صدور مجوز مربوط به هر یک از خریداران، به منظور مشارکت آنها در فرآیند حل و فصل بانک ورشکسته، رضایت اخذ نماید. سرمایه‌گذاران خصوصی علاقه‌مند به خرید مؤسسه در حال ورشکستگی باید از منابع کافی برخوردار بوده و اقدامات مربوط به دریافت مجوزهای مورد نیاز و بیمه نمودن سپرده‌ها که برای ایجاد یک مؤسسه اعتباری لازم است را انجام داده و تکمیل نمایند. در این مرحله از فرآیند بازاریابی، هیچ اطلاعاتی که منجر به شناخت مؤسسه مشکل‌دار شود، ارائه نمی‌گردد.





## اتاق داده‌های مجازی (VDR)

جهت بازاریابی مؤسسات اعتباری و رشکسته برای خریداران بالقوه، FDIC یک VDR راه‌اندازی می‌کند. VDR دسترسی خریداران بالقوه را به داده‌های مالی مؤسسه، اسناد قانونی، اطلاعات مربوط به رسیدگی و بررسی دقیق (due diligence) رویه‌های مناقصه و شرح معاملات حل و فصل پیشنهادی فراهم می‌کند. اطلاعات ارائه شده در VDR با توجه به اندازه و استراتژی تجاری مؤسسه متفاوت خواهد بود. FDIC می‌تواند هر زمانی اطلاعات به VDR اضافه نماید. اسناد مذکور، قبل از اینکه برای شرکت کنندگان مناقصه آماده شوند، با هدف حذف اطلاعات شخصی و اختصاصی، ویرایش می‌شوند.

بعد از ایجاد VDR، FDIC دعوتنامه‌هایی را به شرکت کنندگان بالقوه مناقصه برای مشاهده اطلاعات مؤسسه در حال ورشکستگی ارسال می‌کند. FDIC دسترسی به VDR را برای همه علاقه‌مندان به شرکت در مناقصه مؤسسه ورشکسته، صرفاً پس از امضای توافق‌نامه حفظ محرمانگی فراهم می‌کند. VDR به مناقصه‌گران اجازه می‌دهد تا به اطلاعات در زمان مناسب دسترسی داشته باشند - ۲۴ ساعت شبانه‌روز، هفت روز هفته - و تا قبل از پایان مهلت مناقصه، بررسی لازم را در مورد مؤسسه ورشکسته، انجام دهند.

### بررسی دقیق میدانی

بیش از ارائه امکان بررسی دقیق میدانی (در محل)، FDIC از مدیران حل و فصل مؤسسه ورشکسته درخواست می‌کند مصوبه‌ای حاوی مجوزی برای بازبینی میدانی از امکانات و سوابق مؤسسه توسط اشخاص ثالث صادر نماید. از آنجا که همه مؤسساتی که به طور بالقوه ورشکسته هستند، "مؤسسات در حال فعالیت" تحت مالکیت خصوصی هستند، FDIC از هیأت مدیره مؤسسه موصوف تقاضا می‌کند تا مجوزی برای اشخاص ثالث جهت بررسی دقیق در محل صادر کند. با ارائه امکان "بررسی دقیق در محل مؤسسه ورشکسته"، پیشنهادات بیشتر دیگری برای شرکت در مناقصه مؤسسه ورشکسته به خصوص از سوی اشخاصی که با مؤسسه آشنایی لازم را ندارند، دریافت می‌شود.



برای تمام مناقصه‌گران بالقوه، اطلاعات یکسان مهیا شده است، بنابراین هیچ مناقصه‌گری نسبت به دیگران مزیتی ندارد. حتی پاسخ ارایه شده به پرسش‌های مطرح شده توسط یک مناقصه‌گر، در اختیار تمام شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد.

گاهی اوقات، فرآیند بررسی دقیق بانک در حال ورشکستگی، باعث می‌شود بانک ورشکسته، خود منابعی برای تزریق سرمایه پیدا کند. در این حالت، فرآیند حل و فصل متوقف نمی‌شود اما راه‌های تزریق سرمایه به طور همزمان اجرا می‌شود. اگر برنامه بانک در حال ورشکستگی برای ادغام بدون کمک یا تزریق سرمایه موفقیت‌آمیز بود، فرآیند حل و فصل خاتمه می‌یابد و اگر برنامه افزایش سرمایه مؤسسه با شکست مواجه شد، فرآیند حل و فصل ادامه می‌یابد و در صورت نیاز، همه اطلاعات به روزرسانی می‌شوند.

### ثبت پیشنهادات مناقصه

پیشنهادات مناقصه برای مؤسسه در حال ورشکستگی، باید تا پیش از اتمام مهلت تعیین شده توسط FDIC ثبت شوند. مهلت مذکور به طور معمول یک یا دو هفته پیش از زمان برنامه‌ریزی شده برای بسته شدن است.

مناقصه‌گران می‌توانند پیشنهادات خود را هم برای همه سپرده‌ها و هم برای سپرده‌های بیمه‌شده ثبت نمایند. برای انجام حل و فصل با حداقل هزینه، تمامی پیشنهادات به طور جداگانه بررسی شده، با یکدیگر مقایسه شده و با هزینه‌های انحلال برآورده شده توسط FDIC نیز مقایسه می‌شوند. پیشنهاداتی که با شرایط و ابزارهای حل و فصل تعیین شده توسط FDIC مطابقت نداشته باشند نیز در صورت امکان برآورد هزینه، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

یک پیشنهاد مناقصه عموماً حداقل دو شرط قیمت‌گذاری دارد. اول، مبلغ پیشنهادی برای ارزش فرانسیز<sup>۲۱</sup> است (یعنی پیشنهاد برای سپرده‌ها - سپرده‌های بیمه شده یا همه سپرده‌های مؤسسه در حال ورشکستگی) و دوم، مبلغ پیشنهادی برای دارایی‌های مؤسسه در حال ورشکستگی است. مبلغ

<sup>۲۱</sup> franchise value



پیشنهادی اول معمولاً نشان دهنده ارزش سپرده های هر مشتری و مبلغ پیشنهادی دوم منعکس کننده ارزش بازار دارایی ها است.

علاوه بر این، مناقصه گران می توانند یک ابزار افزایش ارزش (VAI)<sup>۲۲</sup> را همراه با پیشنهاد خود ارسال کنند. VAI به FDIC ضمانت می دهد که FDIC سهام شرکت کننده در مناقصه را با قیمتی معین در تاریخ معین خریداری نماید. این امر FDIC را قادر می سازد تا در هر گونه افزایش در ارزش بازار سهام مناقصه گر که ممکن است از ورود به حل و فصل مؤسسه ورشکسته ناشی شود، مشارکت کند.

### تجزیه و تحلیل حداقل هزینه

قانون ارتقای شرکت بیمه سپرده فدرال (FDICIA) که در سال ۱۹۹۱ به تصویب رسیده است، مقرر می دارد که FDIC برای حل و فصل یک مؤسسه در حال ورشکستگی، تنها باید کم هزینه ترین گزینه برای صندوق بیمه سپرده را انتخاب کند. تا پیش از سال ۱۹۹۱، FDIC می توانست از میان پیشنهادات ارابه شده در مناقصه که قیمت های ارابه شده در آنها کم تر از هزینه انحلال مؤسسه در حال ورشکستگی بود، با توجه به سایر مشخصه ها مانند دسترسی به خدمات بانکداری منطقه ای و ثبات بانکی، یکی را به عنوان برنده مناقصه انتخاب نماید.

FDIC تجزیه و تحلیل حداقل هزینه را به منظور مقایسه هزینه انحلال مؤسسه مالی ورشکسته با هزینه پیشنهادات دریافت شده در مناقصه انجام می دهد. در فرآیند انحلال، FDIC به عنوان مقام تصفیه مؤسسه مالی ورشکسته، سپرده های سپرده گذاران را تا مبلغ بیمه شده (در زمان پرداخت) پرداخت نماید و اگر پیشنهاد قابل قبولی در مناقصه دریافت نکرده باشد، بخشی از دارایی های مؤسسه ورشکسته را واگذار نماید. اما اگر پیشنهاد قابل قبولی در مناقصه دریافت شد، تمام سپرده ها یا سپرده های بیمه شده به مؤسسه خریدار منتقل می شود.

شکل ۳ محاسبه ساده ای از زیان برآوردی در جریان تصفیه مؤسسه ورشکسته را نشان می دهد. دارایی های موجود و در دسترس با کسر زیان برآورد شده دارایی ها و اضافه نمودن پیشنهادات دریافتی برای بانک ورشکسته در مناقصه محاسبه می شوند. هزینه های انجام شده برای تصفیه

<sup>۲۲</sup> value appreciation instrument (VAI)



توسط FDIC نیز از مبلغ برآوردی کل دارایی ها کسر می شود. پس از آن، کل بدهی ها کسر می شود تا مجموع زیان در فرآیند تصفیه تعیین گردد.

Figure 3: Least Cost Test Calculation

Total Gross Assets
Less: Asset Losses + FDIC Receivership Expenses
Plus: Bid
Deposit Premium,
and/or
(Asset Discount)
Less: Liabilities (Claims) on Receivership:
Total Receivership Loss

بدهی ها در فرآیند تصفیه با ترتیب زیر پرداخت می شوند: (زیان ها به طریق معکوس تخصیص می یابد، شکل ۴ را ببینید).

- ۱- سپرده های تضمین شده و طلبکاران ممتاز: تماماً پرداخت می شود.
  - ۲- طبقه سپرده گذاران: FDIC و سپرده گذارانی که سپرده های آنها بیمه نشده است، بر اساس نسبت منابع خود از کل سپرده ها، در زیان شریک می شوند.
  - ۳- طلبکاران عمومی: معمولاً به اندازه کل مبلغ معوق زیان می بینند.
  - ۴- طلبکاران تبعی: معمولاً به اندازه کل مبلغ معوق زیان می بینند.
- نکته: طلبکارانی که دچار زیان می شوند، یک گواهی دریافت می کنند که در صورت فروش باقی دارایی های مؤسسه ورشکسته در آینده، از درآمد حاصله، به آنها پرداخت هایی صورت گیرد.



Figure 4: Allocation of Receivership Losses

Receivership Losses are Allocated in the Following Order:

- 1 Subordinated Creditors
- 2 General Creditors
- 3 Depositor Class (share pro-rata)  
FDIC  
Uninsured Depositors
- 4 Secured Depositors & Preferred Creditors

### مصوبه هیأت مدیره FDIC

پیش از بسته شدن یک مؤسسه مالی ورشکسته، هیأت مدیره FDIC باید موارد زیر را تأیید نماید:

- ۱- وضعیت ورشکستگی بانک.
- ۲- تصمیمات هیأت مدیره بانک شامل (ولی نه فقط محدود به) اعطای اجازه به کارکنان FDIC برای تعیین کم هزینه ترین روش حل و فصل و اعطای اجازه به مدیر بخش DRR (بخش حل و فصل و تصفیه در FDIC) جهت پذیرش انتصاب FDIC به عنوان مدیر تصفیه بانک ورشکسته.

### تفاهم نامه تصویب پیشنهادات ارایه شده در مناقصه

مدیر DRR یک «تفاهم نامه تصویب پیشنهادات مناقصه» حاوی توضیحاتی در خصوص همه پیشنهادات ارایه شده و انتخاب کم هزینه ترین پیشنهاد را امضا می نماید. این تفاهم نامه همچنین به نمایندگان FDIC اجازه می دهد که انتصاب شدن به عنوان مدیر تصفیه از سوی مؤسسه صادر کننده مجوز فعالیت بانک ورشکسته (که رسماً بانک را می بندد و مجوز آن را لغو می کند)، بپذیرند. زمانی که تفاهم نامه امضا شد، FDIC نتیجه را به تمام شرکت کنندگان در مناقصه که برنده نشدند، مؤسسه ی شرکت کننده موفق در مناقصه و مرجع صدور مجوز اطلاع می دهد. سپس، FDIC پیش از بسته شدن مؤسسه مالی ورشکسته، زمینه امضای مستندات قانونی توسط مؤسسه برنده در مناقصه



را فراهم می کند. در این زمان، کارکنان FDIC برای انجام هماهنگی مراحل بسته شدن مؤسسه مالی ورشکسته، با مؤسسه برنده در مناقصه ملاقات هایی را صورت می دهند.

### بسته شدن مؤسسه

آخرین مرحله از فرآیند حل و فصل زمانی آغاز می شود که مؤسسه مالی ورشکسته بسته و دارایی ها و سپرده های آن به مؤسسه برنده در مناقصه منتقل می شود. مرجع صادر کننده مجوز مؤسسه مالی ورشکسته، مؤسسه را می بندد و FDIC را به عنوان مدیر تصفیه منصوب می کند. این رویداد معمولاً در روز پایان ساعت کاری روز جمعه انجام می شود تا FDIC برای انجام امور، در تعطیلات آخر هفته، زمان کافی داشته باشد. حالا FDIC به عنوان مدیر تصفیه، مسئول انجام امور مربوط به تصفیه و حل و فصل مؤسسه مالی بسته شده است. این امور شامل فعالیت هایی مانند تراز کردن حساب های مؤسسه بلافاصله پس از بسته شدن، انتقال دارایی ها و بدهی ها قطعی به مؤسسه برنده در مناقصه و تعیین دقیق مبالغ پرداختی است. تسویه انواع حساب های مابین مدیر تصفیه و مؤسسه برنده در مناقصه را "settlement" (تسویه) می نامند. این فرآیند بسته به اندازه مؤسسه ورشکسته از ۶ تا ۱۹ ماه طول می کشد. مؤسسه برنده در مناقصه، معمولاً مؤسسه مالی را روز کاری بعد بازگشایی می نماید و مشتریان مؤسسه ورشکسته با دسترسی به سپرده های تحت بیمه خود، به طور خودکار مشتریان مؤسسه برنده در مناقصه محسوب می شوند.

FDIC به عنوان مدیر تصفیه، مسئول اجرای عملیات تصفیه، شامل تجمیع دارایی ها و تا سرحد امکان حل و فصل کردن مطالبات بستانکاران است.



## فصل چهارم – انواع معاملات حل و فصل

روش‌های حل و فصل مؤسسات مالی ورشکسته در طی سالیان، با عنایت به تغییرات در شرایط اقتصادی و قوانین و مقررات، تکامل یافته است. قبل از سال ۱۹۹۱، FDIC می‌توانست برای انتخاب یک روش حل و فصل، شاخص‌هایی مانند در دسترس قرار داشتن خدمات بانکی در منطقه مورد نظر و یا ثبات بانکی را مد نظر قرار دهد. اما با تصویب قانون FDICIA، FDIC صرفاً باید روش حل و فصلی را انتخاب کند که دارای کم‌ترین هزینه برای صندوق بیمه سپرده (DIF) باشد. بدین ترتیب، روش‌های P&A و بازپرداخت سپرده‌ها دو روشی هستند که FDIC عموماً از آنها برای حل و فصل استفاده می‌کند.

### ابزار خرید و پذیرش ۲۳ (P&A)

P&A یا خرید و پذیرش، یکی از ابزارهای حل و فصل است که به موجب آن، یک مؤسسه سالم، همه یا برخی از دارایی‌های مؤسسه ورشکسته را می‌خرد و پرداخت برخی بدهی‌ها، که حتماً شامل تمام سپرده‌های بیمه شده است را بر عهده می‌گیرد. P&A متداول‌ترین روش استفاده شده توسط FDIC برای حل و فصل مؤسسات ورشکسته است که کمترین اختلال را در نظام بانکی و نظام اجتماعی به همراه دارد. این ابزار براساس شاخص‌هایی مثل مهلت FDIC برای انجام حل و فصل، منطقه جغرافیایی، اندازه مؤسسه مالی ورشکسته، ماهیت و ترکیب سپرده‌ها و دارایی‌های (موجود و قابل فروش) مؤسسه مالی ورشکسته، متفاوت می‌باشد.

ساختار P&A بر اساس ترکیبی از رویه‌ها و مشوق‌ها برای ترغیب خریداران به منظور بر عهده گرفتن دارایی‌های بیشتری از مؤسسه اعتباری ورشکسته طراحی می‌شود. این ساختار باید دارای انعطاف پذیری باشد چرا که هر یک از خریداران بالقوه خواسته‌ها و شرایط بازار متفاوتی دارند که در طول زمان نیز متغیر خواهد بود.





ممکن است برخی خریداران بخواهند بخش قابل ملاحظه‌ای از دارایی‌ها را به همراه سپرده‌های فرانشیز آن (سپرده‌های متناظر آن) به دست آورند؛ در حالی که برخی دیگر ممکن است بخواهند فقط دارایی‌ها یا سپرده‌ها را در اختیار بگیرند. FDIC عموماً سعی می‌کند حداکثر میزان دارایی‌های قابل انتقال مؤسسه ورشکسته را قبل از بسته شدن آن منتقل کند. با این حال، نتایج برگزاری مناقصه باید با کم‌هزینه‌ترین روش حل و فصل انجام شود.

در ادامه برخی از معاملات P&A که FDIC در وضعیت‌های مختلف از آنها استفاده می‌کند توضیح داده شده است.

#### معاملات P&A پایه

در معاملات P&A پایه، دارایی‌هایی که به خریداران داده می‌شود معمولاً محدود به وجه نقد، شبه نقد و اوراق بهادار قابل فروش در بازار هستند. مخازن وام اختیاری نیز ممکن است به عنوان پیشنهاد مطرح شود. مکان مؤسسات اعتباری ورشکسته (شامل مبلمان، اثاثیه و تجهیزات) اغلب به صورت اختیاری به خریداران پیشنهاد می‌شود. بدهی‌هایی که خریدار برعهده می‌گیرد، شامل بخشی از سپرده‌ها که تحت پوشش بیمه FDIC است و یا تمام سپرده‌ها می‌باشد. مشروط بر اینکه کم‌هزینه‌ترین روش اتخاذ شود.

Figure 0: Basic P&A Agreements

#### Benefits

Customers with insured deposits suffer no loss in service.

Customers with insured deposits have new accounts with the new institution, but old checks can still be used.

Customers with insured deposits do not lose interest on their accounts (up to \$250,000).

The AI has an opportunity for new customers.

The AI has a 30-day option to purchase individual loans at book value.

The FDIC can use this method when there is not enough time to complete due diligence. The FDIC costs are less than a deposit payoff.

#### Other Considerations

Receivership must liquidate the majority of the failed institution's assets.

Uninsured depositors may or may not suffer losses.

The FDIC's cash outlay increases.



نکته: بعد از اینکه قانون FIDIC امضا شد، FDIC ملزم به انتخاب کم هزینه ترین روش حل و فصل در دسترس شد. این الزام تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقدامات حل و فصل FDIC داشت. پیش از این، FDIC بیشتر معاملات P&A را بر اساس انتقال هر دو قسمت سپرده‌های بیمه شده و بیمه نشده به همراه دارایی‌های مشخصی از بانک ورشکسته انجام می داد. لذا، بر اساس قانون FDICIA، زمانی که انتقال سپرده‌های بیمه نشده مشمول کم هزینه ترین راه حل نبود، FDIC در معاملات P&A فقط سپرده‌های بیمه شده را به مؤسسه خریدار منتقل می کند.

البته از زمان تصویب قانون تثبیت اقتصادی اضطراری در سال ۲۰۰۸ و قانون اصلاحات دادفرانک-وال استریت و حمایت از مصرف کننده در سال ۲۰۱۰، سپرده‌های تحت بیمه را از ۱۰۰،۰۰۰ دلار به ۲۵۰،۰۰۰ دلار افزایش داد، کاهش میزان سپرده‌های بیمه نشده در بانک‌ها، باعث شد معاملات P&A تعداد و مبلغ بیشتری از سپرده‌ها را شامل گردد.

### معاملات P&A کل بانک

ساختار «معاملات P&A کل بانک» در نتیجه تلاش برای ترغیب خریداران مؤسسات ورشکسته به خرید حداکثر میزان دارایی‌های آن پدیدار شد. بر این اساس، از پیشنهاددهندگان درخواست می شود که برای خرید تمام دارایی‌های مؤسسه ورشکسته (با تخفیفاتی) ولی بر اساس معامله بدون حق رجوع<sup>۲۴</sup> و البته بدون هیچ ضمانتی اقدام کنند.

این نوع فروش به ۳ دلیل برای FDIC سودمند است. اول اینکه متقاضیان وام در آن منطقه، کماکان خدمات مورد نیاز خود را توسط مؤسسه اعتباری خریدار، در همان منطقه دریافت می کنند. دوم اینکه «معاملات P&A کل بانک»، هزینه‌های نقدی FDIC را با خرید تمام دارایی‌ها توسط مؤسسه خریدار، به حداقل رسانده و FDIC نیز هیچ تعهد مالی دیگری به مؤسسه خریدار نخواهد داشت. در نهایت «معاملات P&A کل بانک»، میزان دارایی‌های باقی مانده نزد FDIC برای انحلال را کاهش می دهد. به شکل ۶ نگاه کنید.

<sup>۲۴</sup> "As is": در این روش، خریدار حق دارد که قبل از خرید تمام شرایط دارایی را بررسی کند ولی بعد از خرید، حق رجوع (پس دادن) به فروشنده را ندارد.



Figure 6: Whole Bank P&amp;A Agreements

<p><b>Benefits</b> (all the benefits of Basic P&amp;As, plus the following):</p> <p>Loan customers continue to be served locally by the AI.</p> <p>The one-time FDIC cash outlay is minimized.</p> <p>The amount of assets held by the FDIC for liquidation is greatly reduced.</p> <p>The expenses associated with liquidating assets are also greatly reduced.</p> <p><b>Other Considerations</b></p> <p>May not prove to be the least costly method compared to other types of resolutions.</p> <p>Can be a negative bid.</p>
--

### معاملات P&A با امکان تقبل اشتراکی ضرر

معامله P&A با امکان تقبل اشتراکی ضرر احتمالی، یکی از ابزارهای حل و فصل است که در آن FDIC به عنوان مقام حل و فصل/تصفیه قبول می‌کند که در زیان‌های احتمالی نوع خاصی از دارایی‌ها، با مؤسسه خریدار شریک شود. این ابزار شبیه معامله P&A کل بانک است به جز در مورد شرط تقسیم زیان برخی دارایی‌های خریداری شده. در طول بحران‌های گذشته، FDIC پیشنهادهای برای تقسیم ضرر و زیان برخی دارایی‌ها را ارائه کرده است که بر اساس آن، مؤسسه خریدار حداقل ۲۰ درصد (یا در مواردی بیشتر از ۲۰٪) ضرر بالقوه آنها را می‌پذیرد. دارایی‌های مشمول زیان مشترک معمولاً دارایی‌های آسیب دیده مؤسسه ورشکسته هستند که ممکن است بدون برخی مشوق‌ها و حمایت‌ها (از جمله تقبل بخشی از زیان بالقوه آنها توسط FDIC) برای شرکت کنندگان در مناقصه و خریداران جذابیت نداشته باشد.

این ابزار عموماً شامل دارایی‌هایی مانند تسهیلات مسکن خانوارها، تسهیلات تجاری، تسهیلات املاک و مستغلات تجاری می‌باشد. گزینه P&A با زیان اشتراکی اختیاری، نیازهای اضطراری FDIC به وجه نقد را کاهش می‌دهد. از نظر عملیاتی و اجرایی ساده‌تر است و دارایی‌ها را به سرعت به بخش خصوصی منتقل می‌کند.

علاوه بر این، شرکت کنندگان در مناقصه با زیان اشتراکی، می‌توانند همراه با پیشنهاد خود یک ابزار ارزیابی ارزش (VAI) نیز ثبت نمایند. این ابزار، ضمانت خرید یک سهم معین از سهام شرکت کننده مناقصه را در یک تاریخ و قیمت معین به FDIC می‌دهد. این مسئله FDIC را قادر می‌سازد تا در هر



گونه افزایش در ارزش بازاری سهام شرکت‌کننده مناقصه که منتج از ورود وی به معامله است، شریک شود.

مزایای این روش عبارت است از تمام مزایای P&A های اولیه به علاوه موارد زیر:

- کاهش خطر برای مؤسسه خریدار؛
- کاهش هزینه‌ها و نیازهای مالی فوری FDIC؛
- باقی ماندن دارایی‌ها در بخش خصوصی.

ملاحظات دیگر در روش P&A با زیان اشتراکی اختیاری عبارتند از:

- به وظایف اداری اضافی هم برای مؤسسه خریدار و هم برای FDIC نیاز دارد؛
- زمان‌بر است زیرا توافقات معمولاً ۸ تا ۱۰ سال طول می‌کشد؛
- FDIC دارایی‌ها را کنترل نمی‌کند، اما بخش بزرگی از زیان احتمالی را تقبل می‌کند.

#### معاملات بانک واسط و P&A

ابزار بانک واسط، یک معامله P&A است که در آن FDIC به صورت موقتی به جای مؤسسه خریدار عمل می‌کند. مؤسسه ورشکسته اصلی به وسیله مرجع صدور مجوز فعالیتش بسته می‌شود و در اختیار مقام تصفیه قرار می‌گیرد. یک بانک دولتی جدید توسط OCC به صورت فوری تأسیس می‌شود و به وسیله FDIC کنترل می‌شود. این بانک جدید برای پر کردن فاصله زمانی میان زمان ورشکستگی مؤسسه اصلی تا زمان ارزیابی، بازاریابی و واگذاری بخش ناسالم دارایی‌های مؤسسه ورشکسته توسط FDIC به بانک/مؤسسه ثالث، طراحی شده است. یک بانک واسط می‌تواند برای دو سال و حداکثر با سه بار تمدید (هریک به مدت یک سال) فعالیت نماید و بعد از این مدت، باید فروخته و یا به هر نحو دیگری حل و فصل شود. FDIC در زمان مناسب یک بانک واسط را ایجاد می‌کند تا زمان مورد نیاز برای اتخاذ تدابیر لازم و یک روش حل و فصل مناسب اصلی را فراهم کند. همچنین تأسیس بانک واسط، به خریداران احتمالی برای ارزیابی وضعیت بانک به منظور ارائه پیشنهادات خود، زمان لازم می‌دهد.

پیش از تأسیس بانک واسط، تجزیه و تحلیل هزینه باید نشان دهد که franchise value بانک واسط (ارزش فعلی سودهای ناشی از فعالیتهای آتی) بیشتر از هزینه نهایی عملیاتی (marginal cost) آن



است، بنابراین کم هزینه تر از بازپرداخت سپرده ها است. همچنین قبل از ایجاد بانک واسط، باید استراتژی حل و فصل و برنامه زمان بندی حل و فصل نیز تکمیل شده باشد. استراتژی حل و فصل بانک واسط بر اساس اینکه فعالیت این بانک بلندمدت (بیش از ۹ ماه) یا کوتاه مدت (کمتر از ۹ ماه) خواهد بود، متفاوت است. بانک واسط تنها زمانی ایجاد می شود که کم هزینه ترین روش حل و فصل برای صندوق بیمه سپرده باشد.

فروش و نحوه بستن بانک واسط شبیه فروش و بستن سایر مؤسسات ورشکسته است. FDIC نیازمند حداقل ۱۶ تا ۲۴ هفته برای کسب آمادگی برای فروش است، که شامل جمع آوری اطلاعات، جلب علاقه خریداران احتمالی، ترتیب دادن شرایط بررسی دقیق توسط خریداران احتمالی و دریافت و بررسی پیشنهادات مناقصه می شود. بانک واسط ممکن است از طریق روش P&A، ادغام، فروش سهام یا در قبال پرداخت وجه نقد حل و فصل شود.

فواید ایجاد بانک واسط:

- زمان لازم برای ترتیب دادن یک روش مناسب حل و فصل توسط FDIC را فراهم می کند.
- به خریداران احتمالی زمان می دهد تا وضعیت بانک را به منظور ارائه پیشنهادات معقول تر ارزیابی کنند.

- ارزش فرانسیز (franchise value) بانک را حفظ می کند.
- زمینه تداوم خدمات به مشتریان بانک را فراهم می کند.

ملاحظات دیگر ایجاد بانک واسط:

- بخشی از فرآیند حل و فصل را دو برابر می کند. FDIC باید دو فرآیند بستن بانک/مؤسسه را انجام دهد، یکی برای بانک اصلی و دیگری برای بانک واسط.
- به زمان و تلاش بیشتر از سوی FDIC نیاز دارد.
- FDIC مسئول فعاليتها و عملیات بانک واسط می شود.
- حفظ و یا استخدام کارکنان کلیدی در طول دوره انتقال دشوار است.
- شرایط اقتصادی ممکن است به وخامت پیش رود و منجر به کاهش حق بیمه ها شود.



- مشتریان خوب و با کیفیت مؤسسه که به بانک واسط منتقل می‌شوند، ممکن است مؤسسه را برای سپرده/سرمایه گذاری در مؤسسات با ثبات تر، ترک کنند و در نتیجه ارزش فرائشیز (franchise value) بانک واسط را کاهش دهند.

### پرداخت سپرده

بازپرداخت سپرده‌ها زمانی اجرایی می‌شود که FDIC پیشنهاد مناسبی برای P&A که حداقل هزینه را برای FDIC در برداشته باشد و یا هیچ پیشنهادی برای P&A دریافت نکند. در روش بازپرداخت سپرده‌ها، هیچ تعهدی از سوی مؤسسات ثالث پذیرفته نشده و هیچ دارایی نیز توسط مؤسسات دیگر خریداری نمی‌گردد. FDIC باید سپرده‌های سپرده‌گذاران مؤسسه ورشکسته را تا میزان بیمه شده پرداخت کند (به صورت مستقیم یا از طریق یک نماینده). سه نمونه متداول بازپرداخت سپرده‌ها عبارتند از بازپرداخت مستقیم سپرده، انتقال سپرده بیمه شده به یک بانک یا مؤسسه منتخب (IDT) و بانک ملی بیمه سپرده (DINB) است.

### بازپرداخت مستقیم سپرده

بازپرداخت مستقیم سپرده یکی از روش‌های حل و فصل است و زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که انحلال، بستن و خاتمه دادن به امور به عنوان کم‌هزینه‌ترین روش حل و فصل شناسایی شود. در این نوع از معامله، FDIC میزان سپرده‌های بیمه شده را مشخص و مبالغ آنها را به صورت مستقیم به هر سپرده‌گذار پرداخت می‌کند.

هنگامی که سپرده‌های بیمه شده مشخص شدند، FDIC چکی را برای هر سپرده‌گذار ارسال می‌کند. FDIC به عنوان مقام تصفیه، تمام دارایی‌ها و سایر بدهی‌ها را حفظ و مسئولیت و هزینه انحلال تمام دارایی‌ها را برعهده دارد.

### انتقال سپرده های بیمه شده ( IDT )

IDT نوعی از بازپرداخت سپرده است که در آن سپرده‌های بیمه شده نزد مؤسسه مالی ورشکسته به یک مؤسسه دیگر به عنوان نماینده FDIC انتقال می‌یابد که اجازه پرداخت سپرده‌های بیمه شده به سپرده‌گذاران مؤسسه ورشکسته را دارد. مؤسسه عامل نماینده FDIC سپرده‌های مشتریان مؤسسه



ورشکسته را به میزان بیمه شده به طور مستقیم پرداخت کرده یا بنا به درخواست مشتری، یک حساب جدید برای وی به همان میزان در مؤسسه عامل نماینده افتتاح می کند. IDT جایگزینی برای بازپرداخت سپرده مستقیم است، گرچه این مورد به ندرت مورد استفاده قرار می گیرد.

### بانک ملی بیمه سپرده (DINB)

بانک DINB بانکی با اختیار و مدت فعالیت محدود است که بدون هیچ سرمایه ای تأسیس می شود. زمانی که هیچ بانکی پرداخت سپرده های بیمه شده را نپذیرد، FDIC برای حمایت از سپرده گذاران این امکان را دارد که یک بانک تأسیس کند تا اطمینان حاصل نماید تمام سپرده گذاران (مخصوصاً آنهایی که در مناطق کمتر برخوردار یا محروم از خدمات هستند) به سپرده های بیمه شده خود دسترسی داشته و یا از امکان افتتاح حساب نزد سایر بانکها یا مؤسسات تحت بیمه FDIC، برخوردار می شوند.

با استفاده از DINB به جای روش بازپرداخت مستقیم، انتقال حسابها به صاحبان حساب با آسیب کمتر و با شیوه ای منظم تر میسر می شود. بر اساس قانون FDI، FDIC مجاز است یک بانک DINB را حداکثر تا مدت ۲ سال فعال نگه دارد. با این حال اکثر DINB ها در سالهای اخیر تنها برای مدت ۳۰ روز فعال بوده اند. مرجع صادر کننده مجوز، بانک ورشکسته را می بندد، FDIC را به عنوان مقام تصفیه منصوب می کند، سپس FDIC با مجوز OCC و برای ایجاد دسترسی سپرده گذاران به سپرده های بیمه شده خود یک DINB را برای مدتی محدود ایجاد می کند. در این حالت، تمام دارایی های مؤسسه ورشکسته، در اختیار مقام تصفیه باقی می ماند.

### سوابق قبلی روش های حل و فصل

روش های حل و فصل زیادی در گذشته استفاده می شد که هرچند برای آن زمان مناسب بودند، اما اکنون از منظر قانونی، در دسترس نیستند و با چالش های اقتصادی که امروزه با آن مواجهیم پاسخگوی نیازها و شرایط روز نیستند و البته هیچکدام از آنها برای DIF کم هزینه ترین روش به نظر نمی رسند. با این حال این روشها ممکن است برای سایر کشورها گزینه های حل و فصل مناسبی لحاظ گردند.



### مساعادت به بانک در حال فعالیت (Open Bank Assistance - OBA)

روشن حل و فصل کمک به بانک در حال فعالیت، زمانی استفاده می‌شد که یک مؤسسه تحت بیمه در معرض خطر ورشکستگی، از FDIC در قالب وام‌های مستقیم، مشارکت‌ها، سپرده‌گذاری، خرید دارایی‌های آنها یا برعهده گرفتن بدهی‌های آنها کمک دریافت می‌کرد. استفاده از این گزینه، از سال ۱۹۹۲ به دلیل تغییرات قانونی که استفاده از آن را محدود می‌کرد و گزینه‌های حل و فصل برای FDIC (مثل بانک واسط) را گسترش داده است، متوقف شد. با این حال، OBA در سال ۲۰۰۸ برای Bank Of America و Citigroup استفاده شد. قانون دادفرانک که در سال ۲۰۱۰ تصویب شد، این گزینه را به طور کلی حذف کرد.

### توافق حفظ درآمد

بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳، FDIC برای جبران اثراتی که آزادکردن نرخ‌های بهره (Deregulation Of Interest Rates) بر روی برخی از مؤسسات پس‌انداز بزرگتر داشت، از موافقت‌نامه‌های حفظ درآمد استفاده کرد. درآمد مؤسسات پس‌انداز در حال ورشکستگی عمدتاً به وام‌های رهنی بلندمدت کم‌بازده اعطایی به خانوار مرتبط بود و کیفیت وثایق تضمین‌کننده وام‌ها مشکلی نداشت.

نگرانی اصلی FDIC این بود که چطور این مؤسسات پس‌انداز در حال ورشکستگی را بدون تحمیل زیان گسترده حل و فصل کند. استراتژی حل و فصل FDIC این بود که مؤسسات پس‌انداز ضعیف‌تر را مجبور به ادغام در مؤسسات پس‌انداز سالم‌تر کند. برای جذب شریک برای این ادغام، FDIC به وسیله بهره‌گیری از توافق حفظ درآمد، بازدهی دارایی‌های به دست آمده از ادغام برای مؤسسه ادغام‌کننده را در سطح بازدهی بازار تضمین می‌کرد. در همین رابطه، FDIC مابه‌التفاوت بین بازده دارایی‌های واگذار شده به مؤسسه ادغام‌کننده و متوسط هزینه منابع مؤسسه پس‌انداز ورشکسته (ادغام شونده) را پرداخت می‌کرد. FDIC زمانی از این روش برای حل و فصل مؤسسات در حال ورشکستگی استفاده می‌کرد که مؤسسه قابلیت ادامه حیات را دارا بود. در بسیاری موارد، مدیران ارشد مؤسسات مشکل‌دار ملزم به استعفا بودند و دارندگان بدهی‌های تبعی تنها بخشی از منابع خود





را دریافت می‌کردند. در مؤسسات پس‌انداز مشترک، هیچ سهامداری وجود ندارد، بنابراین موضوع عایدی باآورده و غیرمنتظره سهامداران موجود نیاز به رسیدگی نداشت.

### برنامه مدارا با کمبودهای سرمایه مؤسسات

هنگامی که تعداد زیادی از مؤسسات کشاورزی در دهه ۱۹۸۰ شکست خوردند، روش‌هایی به منظور نجات مؤسساتی که قبلاً به نحو مطلوبی مدیریت می‌شدند اما به دلیل مشکلات اقتصادی در منطقه خود از نظر مالی آسیب دیدند، به کار گرفته شد. «برنامه مدارا با کمبودهای سرمایه مؤسسات»، به مؤسسات سالم از نظر اقتصادی و با مدیریت مطلوب که ۲۵ درصد یا بیشتر تسهیلات اعطایی آنها در بخش کشاورزی یا انرژی متمرکز شده بود، اجازه می‌داد که به طور موقت از الزامات سرمایه‌نظارتی معاف باشند. بدین ترتیب، بانک‌های واجد شرایط این برنامه، مشروط بر آنکه مشکلات سرمایه‌ای آنها نتیجه عوامل بیرونی اقتصادی بوده و نه ناشی از سوءمدیریت، هزینه‌های عملیاتی بیش از حد و یا تقسیم سود سهام بیش از حد، می‌توانستند نسبت کفایت سرمایه حداقل ۴ درصد داشته باشند.

### برنامه استهلاک زیان تسهیلات

«برنامه استهلاک زیان تسهیلات» به مؤسسات اجازه می‌داد تا زیان‌های ناشی از تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی را در دفاتر خود در بازه زمانی هفت ساله مستهلک کنند. این برنامه، فقط شامل مؤسساتی بود که مجموع دارایی‌های آنها کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار بوده و حداقل ۲۵ درصد از مجموع تسهیلات اعطایی آنها به بخش کشاورزی اعطا گردیده بود. مؤسسات واجد شرایط این برنامه، از نظر اقتصادی قادر به ادامه حیات و اساساً سالم ارزیابی شده بودند که فقط به سرمایه اضافی برای حل و فصل مشکلات اعتبارات ضعیف در بخش کشاورزی نیاز داشتند.

### تفکیک شعب

«تفکیک شعب» یک استراتژی حل و فصل است که به مناقصه‌گران (خریداران بالقوه) اختیار می‌داد که برای کل بانک/مؤسسه ورشکسته پیشنهاد ارایه کنند یا فقط برای یک یا چند شعبه بانک/مؤسسه



ورشکسته. بازاریابی برای مؤسسات ورشکسته بر مبنای هر دو مورد کل بانک و یا شعبه/شعب خاص، می‌تواند انتخاب‌های خریداران بالقوه را گسترش داده و در مجموع منجر به پیشنهادات بهتر شود. در روش «تفکیک شعب»، خریداران بالقوه موظف به ثبت پیشنهادات با لحاظ هر دو گزینه «تمام سپرده‌ها» و «سپرده‌های بیمه شده» هستند بجز پیشنهاداتی که روی کل امتیاز بانک/مؤسسه است. مؤسسه RTC (نهاد موقتی که برای رسیدگی به مؤسسات پس‌انداز ورشکسته در طول بحران در سال ۱۹۸۹ تأسیس شده بود) استراتژی حل و فصل تفکیک شعب را طراحی کرد تا مؤسسات کوچکتر نیز امکان مشارکت در فرآیند حل و فصل مؤسسات ورشکسته را داشته باشند و رقابت میان مناقصه‌گران افزایش یابد. با این حال، FDIC صرفاً زمانی می‌تواند از این استراتژی استفاده کند که سیستم‌های سپرده و تسهیلات بانک، از قبل به طریقی ایجاد شده باشند که به راحتی قابل تفکیک باشند و زمان کافی برای آماده‌شدن بانک برای این روش حل و فصل وجود داشته باشد.



## فصل پنجم – فرآیند تصفیه – اقدامات پس از بسته شدن

کنگره اهمیت و نقش حمایت از سپرده های بانکی را در ثبات اقتصادی درک کرده است. لذا، کنگره اختیارات ویژه ای را در حل و فصل دارایی های مؤسسات سپرده پذیر ورشکسته و پرداخت تعهدات ادعا شده علیه این مؤسسات به FDIC داده است. قوانین فدرال حاکم بر حل و فصل مؤسسات سپرده پذیر ورشکسته برای ارتقا و بهبود انحلال به موقع و کارآمد مؤسسات ورشکسته طراحی شده اند. مهم ترین موارد این اختیارات به شرح زیر می باشند:

### مقایسه با قانون ورشکستگی

همانطور که ذکر شد، از بسیاری از جهات، اختیارات FDIC به عنوان مقام تصفیه مؤسسه سپرده پذیر ورشکسته شبیه امین ورشکستگی<sup>۲۰</sup> شرکتهای دیگر است. به عنوان مثال، مقام تصفیه می تواند دارایی های مؤسسه ورشکسته را نقد کرده و همه یا بخشی از دارایی هایش را به مؤسسه خریدار منتقل کند. اگرچه بسیاری از مفاهیم بنیادی عملکرد تصفیه توسط FDIC شبیه فرآیند مربوط به ورشکستگی شرکتهای است، اما قانون فدرال اختیارات اضافی را به FDIC اعطا می کند که باعث بروز تفاوت های عمیق بین قانون ورشکستگی و قانون مربوط به تصفیه مؤسسات/بانکها توسط FDIC می شود.

نقش و مسئولیت های FDIC در خصوص ارائه خدمات به عنوان مقام تصفیه، به وسیله مقررات قانونی خاصی تعریف شده است. این اختیارات اضافی، FDIC را قادر می سازد تا فرآیند انحلال بانکها و مؤسسات وام و پس انداز را به منظور حفظ اعتماد به سیستم بانکی ملی شتاب بخشد و هزینه های تصفیه آنها را به نحوی کارآمد و اثربخش برای حفظ قوای صندوق بیمه سپرده ها مدیریت نماید. مزیت اصلی این قوانین این است که FDIC به عنوان مقام تصفیه مؤسسات ورشکسته در اداره کردن دارایی ها و بدهی های آنها، تحت نظارت دادگاه نیست و تصمیمات آن جز در موارد بسیار محدود، قابل تجدید نظر خواهی نیست. تعدادی از تفاوت های کلیدی بین قانون ورشکستگی و قانون تصفیه توسط FDIC به شرح زیر است:

<sup>۲۰</sup> bankruptcy trustee



- فرآیند مطالبات: بعد از ورشکستگی، هر شخصی که ادعای طلبی از بانک ورشکسته دارد، باید در مدت زمان تعیین شده، ادعایش را به مقام تصفیه اعلام کند؛ در غیر این صورت، ادعا منتفی می شود. مقام تصفیه در قبول یا رد ادعاهای مطالبات اختیار دارد. اگر یک ادعا ظرف مدت ۱۸۰ روز بعد از ورشکستگی قبول نشود، مردود تلقی می گردد. مدعی مطالبه ای که تمام یا بخشی از ادعایش مردود شده است، می تواند علیه مقام تصفیه در برخی دادگاه های فدرال که توسط قوانین مربوط به تعیین دادگاه ها مشخص شده است، طرح دعوا نماید. مؤسسه ورشکسته ی بدهکار موظف است برنامه زمانبندی برای پرداخت مطالبات تمام بستانکاران شناخته شده ارائه دهد و در صورت نبود اختلاف، تمام مطالبات مجاز شمرده می شوند. بستانکار/اعتبار دهنده نیز می تواند ادعای طلب خود را در زمان تعیین شده، به مقام ورشکستگی ارسال کند که اگر اختلافی مطرح نباشد، کاملاً مورد قبول واقع می شود. امین ورشکستگی تنها می تواند در خصوص ادعاها اعتراض کند، اما تصمیم در خصوص قبول یا رد ادعای مطالبات در دادگاه گرفته می شود.
- نفی قرارداد- مقام تصفیه می تواند هر قرارداد سنگینی را که در یک "بازه زمانی منطقی" از زمان انتصاب خود- که این زمان معمولاً ۱۸۰ روز و وابسته به وضعیت و شرایط خاص مؤسسه ورشکسته است- رد کند. امین ورشکستگی هم تنها می تواند قراردادهای اجرایی را رد کند و معمولاً این کار را بدون صدور دستور تمدید بیشتر توسط دادگاه، باید طی مدت ۱۲۰ روز به انجام برساند.
- توقف دعاوی حقوقی: مقام تصفیه می تواند درخواست نماید روندهای حقوقی و دادرسی تا حداکثر ۹۰ روز متوقف شود. این توقف خودکار در هنگام بروز ورشکستگی، بلافاصله پس از تقدیم دادخواست ورشکستگی نافذ می شود و تنها با حکم دادگاه یا با به نتیجه رسیدن پرونده، خاتمه می یابد.
- اختیار اجتناب: هم مقام تصفیه و هم امین ورشکستگی دارای قدرت یا اختیار اجتناب هستند. بدین معنا که آنها می توانند نقل و انتقالات متقلبانه که توسط برخی متعهدین به شرکت / مؤسسه مالی ورشکسته و به قصد ممانعت از رویدادی، تأخیر در رویدادی و یا فریب



- شرکت/مؤسسه انجام شده باشد را تحت تعقیب قرار دهند. این اختیار برای نقل و انتقالاتی که تا ۵ سال پیش از تعیین مقام تصفیه/امین ورشکستگی انجام شده باشد اعمال می گردد.
- دفاع ویژه: مقام تصفیه دارای اختیار دفاع قانونی خاصی است که می تواند از آنها برای مغلوب کردن دفاع متعهدین مؤسسه ورشکسته استفاده نماید. اما امین ورشکستگی معمولاً برای رد دعاوی فقط می تواند از دفاعیات معمول و مورد استفاده بدهکار استفاده کند.
  - اولویت سپرده گذار: مقام تصفیه ملزم است قبل از هرگونه پرداخت، مطالبات سپرده گذاران را به طور کامل پرداخت نماید تا دعاوی بستانکاران بدون وثیقه علیه مقام تصفیه (مؤسسه ورشکسته) قابلیت طرح داشته باشند.
- مباحث جزئی تر و دقیق تری از اختیارات ویژه دریافت FDIC در این فصل آورده شده است.

### چرا FDIC به عنوان مقام تصفیه عمل می کند

برای درک اینکه چرا کنگره اختیارات مقام تصفیه را به FDIC اعطا کرده، لازم است نگاهی به شرایط و ساختار صنعت بانکداری تا پیش از تأسیس FDIC بیندازیم. FDIC در سال ۱۹۹۳ برای پایان دادن به بحران بانکی ایجاد شده است. چهار سال قبل از ایجاد FDIC، نه هزار بانک، یعنی یک سوم بانک های ایالات متحده ورشکست شدند. ورشکستگی یک بانک، زنجیره ای از واکنش ها را به دنبال داشت و باعث ورشکستگی سایر بانک ها می شد. بانک های سالم یکی پس از دیگری ورشکست می شدند چراکه بسیاری از سپرده گذاران دچار ترس و وحشت شده و برای دریافت وجوه سپرده هایشان به بانک ها هجوم می آوردند. رفتار سپرده گذاران غیرمنطقی نبود. آنها از تجربه سخت آموخته بودند که اگر پولشان را در بانک نگهداری کنند، ممکن است زمانی که به آن نیاز دارند، به آن دسترسی نداشته باشند و سناریوی بدتر آنکه، اگر بانکشان ورشکست شود امکان دارد بخش بزرگی از سپرده خود را از دست بدهند.

پیش از ایجاد FDIC، OCC بر انحلال و تصفیه بانک های ملی نظارت داشت. انحلال بانک های ایالتی به وسیله ناظران ایالتی و عموماً تحت قوانین ورشکستگی عمومی تجاری صورت می گرفت. تا سال ۱۹۳۳ بیشتر مقامات بانک های ایالتی حداقل کمی کنترل بر روی انحلال بانک های ایالتی داشتند.



اما وقوع روزافزون ورشکستگی بانک‌های ملی از سال ۱۹۲۱ تا سال ۱۹۳۲ موجب کمبود اشخاص متبحر و با تجربه در بحث ورشکستگی و تصفیه بانکی شد. علاوه بر این، نگرانی‌هایی وجود داشت که تعیین مسئولین تصفیه، چه ملی و چه ایالتی به عنوان یک امتیاز سیاسی تلقی شود؛ چراکه مسئولین تصفیه تلاش می‌کردند کمیسیون‌های زیادی برای این کار طلب کرده و کار را تا حد ممکن طولانی کنند.

بین سال‌های ۱۸۶۵ و ۱۹۳۳ با سپرده‌گذاران بانک‌های ایالتی و ملی، مشابه سایر بستانکاران رفتار می‌شد. آنها وجوه سپرده‌های خود را بعد از اینکه دارایی‌های بانک ورشکسته به فروش می‌رسید از محل تسویه دارایی‌های بانک دریافت می‌کردند. به طور میانگین در سطح ایالتی، ۶ سال طول می‌کشید تا دارایی‌های بانک ورشکسته نقد شده، پرداخت مطالبات سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران پرداخت شود و بانک بسته و دفاتر بانک مختومه شود.

حتی زمانی که سپرده‌گذاران آخرین وجوهشان را دریافت می‌کردند، مبالغ به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از مقادیر اصل سپرده‌های آنها نزد بانک ورشکسته بود. از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۰ بیشتر از ۱۲۰۰ بانک ورشکست شده و منحل شدند. در نتیجه این انحلال‌ها، سپرده‌گذاران بانک‌های ایالتی به طور میانگین، ۶۲ درصد از سپرده‌هایشان را پس گرفتند. سپرده‌گذاران در بانک‌های دارای مجوز از دولت فدرال، به طور میانگین ۵۸ درصد از سپرده‌هایشان را پس گرفتند. لذا با توجه به این تأخیرهای طولانی در دریافت پول و ریسک‌های بالای بازپس‌گیری سپرده‌ها از بانک‌های ورشکسته، قابل درک بود که چرا سپرده‌گذاران با بروز هر نشانه‌ای از مشکلات، پس‌اندازهای خود را از بانک‌ها خارج می‌کردند. با موج ورشکستگی‌های بانکی که از سال ۱۹۲۹ شرع شد، مشخص شد که کمبود نقدینگی ناشی از فرآیند حل و فصل ورشکستگی بانک‌های ورشکسته، به طور چشمگیری به رکود اقتصادی در ایالات متحده دامن زده است.

برای مدیریت بحران، دولت ایالات متحده بر روی بازگرداندن سیستم مالی به تعادل از طریق بازبایی و حفظ اعتماد سپرده‌گذاران به سیستم بانکی تمرکز کرد. زمانی که کنگره FDIC را ایجاد کرد، با بیمه سپرده‌ها تا سقف ۲۵۰۰۰ دلار (در حال حاضر تا سقف ۲۵۰۰۰۰ دلار)، اعطای اختیارات ویژه به FDIC برای حل و فصل بانک‌های ورشکسته و الزام به تعیین FDIC به عنوان مقام تصفیه برای تمام بانک‌های ملی، به این مشکل رسیدگی کرد.



کنگره معتقد بود که با تعیین FDIC به عنوان مقام تصفیه، رویه های حل و فصل ساده تر می شود، موازی کاری را حذف می کند، مسئولیت انحلال را برعهده بزرگترین طلبکار (FDIC به عنوان جانشین سپرده گذارانی که سپرده های آنها را پرداخت کرده است) قرار می دهد که نفع او در بازایی حداکثری منابع و دارایی های بانک ورشکسته است.

برای بانک های ایالتی، کنگره ترجیح داد که FDIC مقام تصفیه باشد، اما به هر ایالت اجازه داد تا بر اساس قوانین ایالتی یک مقام تصفیه تعیین کنند. تا سال ۱۹۳۴، ۳۰ ایالت مقرر کردند که FDIC می تولد به عنوان مقام تصفیه تعیین شود، اما در عمل اغلب لیللت ها این کار را انجام نمی دادند. هر چند امروزه، به ندرت استثنائاتی وجود دارد که FDIC به عنوان مقام تصفیه تعیین نشده باشد و اغلب ایالت ها، در حال حاضر FDIC را به این منظور منصوب می کنند.

### FDIC چگونه به یک مقام تصفیه تبدیل می شود

در اساسنامه یک مؤسسه سپرده پذیر مشخص می شود که کدام آژانس نظارتی، ایالتی یا فدرالی، برای مؤسسه ورشکسته، یک مقام تصفیه یا قیم<sup>۲۶</sup> تعیین خواهد کرد. برای مؤسسات پس انداز فدرال و بانک های ملی، OCC مرجعی است که تعیین می کند که انتصاب یک مقام تصفیه، چه زمانی ضروری است. FDIC باید به عنوان مقام تصفیه بانک های ملی تحت بیمه و مؤسسات فدرالی پس انداز تحت بیمه منصوب گردد.

برای بانک ها یا مؤسسات وام و پس انداز دارای مجوز ایالتی که عضو سیستم فدرال رزرو نیستند، FDIC می تواند انتصاب توسط مرجع نظارت ایالتی مربوط به عنوان مقام تصفیه را قبول نماید، اما ملزم به انجام آن نیست.

همچنین برای بانک های دارای مجوز ایالتی که عضو سیستم فدرال رزرو هستند، مقام بانکی ایالتی می تولد FDIC را به عنوان مقام تصفیه منصوب کند. در برخی موارد محدود، FDIC می تولد خودش را به عنوان مقام تصفیه «مؤسسه سپرده پذیر دارای مجوز ایالتی تحت بیمه» منصوب کند.

<sup>۲۶</sup> Conservator: A person or entity, including a government agency, appointed by a regulatory authority to operate a troubled financial institution in an effort to conserve, manage, and protect the troubled institution's assets until the institution has stabilized or has been closed by the chartering authority.





FDIC این اختیار را در سال ۱۹۹۱ از کنگره دریافت کرد؛ به دلیل این نگرانی که انتصاب FDIC به مقام تصفیه بانک ها و مؤسسات ورشکسته، به قضاوت مقامات بانکی ایالتی یا مقامات بانکی فدرال وابسته بود و کنگره برای حمایت از منابع صندوق بیمه سپرده ها به یک روش بر اساس اقدام مستقل و در زمان مناسب بدون فوت وقت - نیاز داشت.

FDIC به عنوان مقام تصفیه، به طور عملیاتی و قانونی، از FDIC در نقش شرکتی خود به عنوان بیمه گر سپرده ها جدا است. FDIC به عنوان مقام تصفیه، حقوق و وظایف و تعهدات جداگانه ای از حقوق و وظایف و تعهدات FDIC به عنوان بیمه گر سپرده ها دارد. دادگاه ها از مدت ها پیش این ظرفیت جداگانه و دوگانه را به رسمیت شناخته اند.

### عملکرد FDIC به عنوان مقام تصفیه

کنگره، مسئولیت کامل حل و فصل مؤسسات سپرده پذیر تحت بیمه فدرال ورشکسته را به FDIC واگذار کرده و برای حصول اطمینان از اجرای کارآمد این فرآیند، اختیارات گسترده ای را نیز به FDIC اعطا کرده است. در اجرای این اختیارات قابل ملاحظه، FDIC به موجب قانون، ملزم به حداکثر کردن بازدهی دارایی های بانک ورشکسته و کمینه کردن هرگونه زیان صندوق بیمه سپرده ها است. فرآیند تصفیه برای بازیابی دارایی های مؤسسه ورشکسته، نقد کردن آنها و تقسیم عواید آن بین بستانکاران مؤسسه مزبور طراحی شده است. FDIC به عنوان مقام تصفیه، حقوق، اختیارات و امتیازات مؤسسه و سهامداران، مدیران و کارکنان کلیدی آن را بر عهده می گیرد. FDIC می تواند تمام تعهدات و وجوه مربوط به مؤسسه ورشکسته را جمع آوری کرده، دارایی ها و اموال مؤسسه را محافظت یا تبدیل به نقد نماید و هر اقدام مربوط به مؤسسه که در راستای انتصابش باشد را انجام دهد. مقام تصفیه همچنین اختیار دارد مؤسسه ورشکسته را با مؤسسه ی سپرده پذیر تحت بیمه ی دیگری ادغام و دارایی ها و بدهی های آن را بدون نیاز به رضایت یا تصویب دادگاه، آژانس دیگر، یا هر طرف ثالث دیگری، با حقوق قراردادی، انتقال دهد. علاوه بر این، FDIC می تواند یک مؤسسه جدیدی تحت عنوان بانک واسط، برای تصاحب دارایی ها و بدهی های مؤسسه ورشکسته ایجاد کند یا ممکن است دارایی های مؤسسه مذکور را به FDIC (در قالب ظرفیت شرکتی خود) به فروش رسانده یا نزد FDIC (در قالب ظرفیت شرکتی خود) به وثیقه گذارد.



FDIC در انجام وظایف خود به عنوان مقام تصفیه، تحت نظارت و هدایت هیچ یک از آژانس ها یا دپارتمان های ایالتی و یا فدرال ایالات متحده نیست. این مقررات به تصفیه کننده اجازه می دهد که بدون دخالت سایر دستگاه های اجرایی عمل کند و به صلاح دید خود، کارآمدترین روش حل و فصل دارایی ها و بدهی های مؤسسه ورشکسته را تعیین نماید.

در بسیاری موارد، قدرت مقام تصفیه و قیّم مشابه هم است، اگر چه FDIC به ندرت از اختیارات خود به عنوان قیّم استفاده کرده است. شایان ذکر است که به موجب قانون، بسیاری از اختیارات یک مقام تصفیه، به صراحت به قیّم نیز اعطا شده، در حالی که بعضی از اختیارات در این زمینه، صرفاً مختص مقام تصفیه می باشد. قیّم به منظور راهبری مؤسسه برای یک دوره زمانی خاص طراحی شده است تا مؤسسه را به عملکرد سالم و صحیح بازگرداند. لذا زمانی که مؤسسه تحت سرپرستی قیّم است، کماکان تحت نظارت آژانس های بانکی فدرالی یا ایالتی مربوط باقی می ماند. هدف قیّم، حفظ ارزش "تداوم فعالیت" یک مؤسسه است.

برای مثال، قیّم مانند مقام تصفیه، این اختیار را دارد که قراردادهایی مانند اجاره نامه را رد کند، اما اگر قراردادها برای ادامه فعالیت مؤسسه مفید باشد ممکن است از این اختیار استفاده نکند.

### عملکرد FDIC در خاتمه دادن به فعالیت یک مؤسسه ورشکسته

هنگامیکه یک مقام صادرکننده مجوز یک بانک/مؤسسه وام و پس انداز، آن بانک/مؤسسه وام و پس انداز را می بندد و FDIC را به عنوان مقام تصفیه منصوب می کند، اولین وظیفه FDIC این است که از مکان آن بانک/مؤسسه، تمام اسناد، وام ها و سایر دارایی های آن محافظت کند. FDIC پس از در اختیار گرفتن محل بانک/مؤسسه ذی ربط، در کمترین زمان ممکن برای تعویض قفل ها اقدام و اعلامیه هایی را برای اطلاع عموم از اقدامات خود و دلایل آن منتشر می کند. سپس بانک ها و سایر اشخاص مربوط را از خاتمه فعالیت مطلع می کند.

کارکنان FDIC که مسئول اقدامات مربوط به خاتمه فعالیت بانک/مؤسسه می باشند با همکاری کارکنان بانک/مؤسسه ورشکسته، تمام حساب ها را برحسب تاریخ بسته شدن بانک/مؤسسه به روز کرده و همه اقلام مربوط را به دفترکل عمومی منتقل می کنند و مطمئن می شوند که همه چیز تراز است.



## حل و فصل دعاوی علیه بانک / مؤسسه ورشکسته

FDIC بلافاصله پس از انتصاب به عنوان مقام تصفیه، باید به بستانکاران بانک / مؤسسه ورشکسته (که شامل مشتریان دارای سپرده بیمه نشده نیز می شود) اطلاع دهد تا دعاوی خود بابت مطالبات از بانک / مؤسسه مذکور را به مقام تصفیه تسلیم نمایند. FDIC ترتیب انتشار آگهی در روزنامه های محلی را می دهد. در این آگهی بیان می شود که بانک / مؤسسه، ورشکست شده است و بستانکاران / مدعیان مطالبه از بانک / مؤسسه چگونه می توانند ادعایشان را ثبت و مطرح کنند. مقام تصفیه همچنین باید اعلامیه هایی را به همه بستانکاران شناسایی شده در اسناد و سوابق موجود در بانک / مؤسسه ارسال و اعلام کند که دعاوی مطالباتشان را ثبت نمایند.

همه مدعیان شامل آنهایی که شکایتی علیه بانک / مؤسسه ورشکسته طرح کرده اند، باید مدارک اثبات ادعایشان را تا مهلت مشخص که حداقل ۹۰ روز پس از اعلام ورشکستگی بانک / مؤسسه است به مقام تصفیه ارائه کنند. مقام تصفیه ممکن است به دنبال این باشد که هر دعوی قضایی که مؤسسه ورشکسته یک طرف آن است را معلق کند. از زمان ثبت ادعای یک مطالبه، مقام تصفیه ۱۸۰ روز فرصت دارد تا تعیین کند که ادعای مطرح شده مورد قبول است یا خیر. اگر ادعای مطرحه مورد تایید مقام تصفیه قرار نگیرد، آن ادعا رد خواهد شد. یک مطالبه پذیرش شده، به نسبت کل مطالبات مورد قبول مقام تصفیه از همان طبقه، پس از پرداخت هزینه ها و به میزان وجوه و منابع در دسترس مقام تصفیه، به روش تسهیم بالنسبه تسویه می گردد. اگر مطالبه مورد پذیرش واقع نشود، مدعی می تواند تا ۶۰ روز پس از تاریخ اعلام رد ادعا، با طرح دعوی جدید یا درخواست ادامه رسیدگی و دادخواهی دعوایی که قبلا طرح شده بود، به دنبال رسیدگی قضایی مطالبات خود از مراجع قضایی مربوط باشد. اگر مقام تصفیه ظرف مدت حداکثر ۱۸۰ روز بعد از ثبت ادعای طلبی، اقدامی در خصوص آن انجام ندهد و نظر خود را اعلام ننماید، آن ادعا مردود تلقی شده و مدعی می تواند ظرف مدت ۶۰ روز، در این خصوص شکایت کند.

## پرداخت مطالبات



اولویت پرداخت مطالبات پذیرفته شده، توسط قانون فدرال تعیین می شود. در ۱۰ آگوست ۱۹۹۳، طرح توزیع یکنواخت برای مؤسسات سپرده پذیر (National Depositor Preference Amendment) اجرایی شد. بر اساس این اصلاحیه، پرداخت به سپرده گذاران از جمله FDIC به عنوان جانشین سپرده گذاران تحت بیمه نسبت به سایر «بستانکاران بدون وثیقه» دارای اولویت می باشد.

از آنجایی که اغلب بدهی های مؤسسه ورشکسته، در قالب سپرده ها هستند، در بسیاری مواقع «ارجحیت سپرده گذاران» عملاً به معنی از بین رفتن امکان پرداخت مطالبات سایر بستانکاران بدون وثیقه<sup>۲۷</sup> است.

این قانون برای تمام فرآیندهای تصفیه که پس از تصویب آن انجام می شوند، نافذ است. فرآیندهای تصفیه ای که پیش از تصویب این قانون آغاز شده بودند، تخصیص دارایی های مؤسسه ورشکسته به مطالبات، بر اساس قانون حوزه ای که مؤسسه مجوز فعالیت خود را از آن دریافت کرده بود (اعم از ایالتی و یا فدرالی) تعیین می شد. برخی از ایالت ها، پیش از تصویب قانون فدرال، برای مؤسسات دارای مجوز از همان ایالات، قانون اولویت سپرده گذار را داشته و اجرا می کردند.

مطالبات از مؤسسه ورشکسته، از محل نقد کردن دارایی های آن طی اقدامات حل و فصل توسط مقام تصفیه پرداخت می شود. وفق «اصلاحیه قانون ملی اولویت سپرده گذار» و مقررات قانونی مربوط، مطالبات با اولویت زیر پرداخت می شود:

۱. هزینه های اداری مقام تصفیه؛
۲. سپرده ها (FDIC جایگزین تمام سپرده گذاران بیمه شده می شود)؛
۳. سایر بدهی های عمومی یا اولویت دار<sup>۲۸</sup> مؤسسه؛
۴. بدهی های تبعی<sup>۲۹</sup>؛
۵. مطالبات سهامداران.

توجه: سپرده های بیمه شده که برای تضمین متقابل نزد مؤسسه هستند، پس از دارندگان بدهی تبعی اما قبل از پرداخت به سهامداران، پرداخت می شوند.

<sup>۲۷</sup> unsecured general creditors

<sup>۲۸</sup> general or senior liabilities

<sup>۲۹</sup> Subordinated obligations



پرداخت های مربوط به این مطالبات به عنوان سود سهام شناخته می شود. گاهی اوقات برای مشتریان با سپرده های بیمه نشده، بر اساس ارزیابی تخمینی ارزش دارایی های مؤسسه و ورشکسته، پیش پرداخت سود سهام صورت می گیرد. به این ترتیب، هر چند مشتریان دارای سپرده های بیمه نشده، بخشی از وجوه شان را در ابتدای فرایند تصفیه دریافت می کنند، اما نظم بازار و نظام بانکی حفظ می شود. البته، زمانی که ارزش دارایی های مؤسسه ورشکسته در زمان بسته شدن، به طور منطقی قابل محاسبه نباشد، FDIC هیچ سود سهامی پیش پرداخت نمی کند. قانون فدرال مرتبط با فرآیندهای تصفیه تمامی مؤسسات سپرده پذیر، مقرر می دارد که حداکثر مسئولیت مقام تصفیه در قبال بستانکاران، مبلغی است که آنها در صورت انحلال و نقد شدن دارایی های مؤسسه ورشکسته دریافت می کردند.

### اختیارات مخصوص در تصفیه

همان طور که پیش تر در این فصل ذکر شد، FDIC به عنوان مقام تصفیه، دارای اختیارات ویژه ای است که توسط قانون فدرالی به آن اعطا شده است. در زیر به برخی از مهم ترین این اختیارات اشاره می شود:

#### ۱- رد و یا عدم تایید قراردادها

در صورتی که مقام تصفیه سنگین و غیر عادلانه بودن قراردادی که مؤسسه ورشکسته یک طرف آن بوده را تشخیص دهد و یا به این نتیجه برسد که رد و نقض قرارداد مزبور منجر به نظم بیشتر و بهبود ملموس فرایند تصفیه و نقد کردن دارایی های مؤسسه ورشکسته می شود، می تواند قرارداد یاد شده را رد کرده یا تأیید ننماید.

اختیار رد یا عدم تایید یک قرارداد به مقام تصفیه به سادگی این اجازه را می دهد که قرارداد را فسخ کرده، در نتیجه به تعهدات آتی که توسط قرارداد تحمیل شده است پایان دهد.

البته مقام تصفیه باید در مدت زمان معقول و منطقی بعد از انتصاب، که این زمان معمولاً ۱۸۰ روز و وابسته به وضعیت و شرایط خاص مؤسسه ورشکسته می باشد، نسبت به رد یا عدم تایید قرارداد/قراردادها اقدام کند. چنان چه مقام تصفیه مسئول جبران خسارات ناشی از رد و عدم تایید یک قرارداد باشد، این خسارات محدود به خسارات قابل جبران واقعی مستقیم از تاریخ انتصاب به



سمت مقام تصفیه است. خسارات قابل جبران مستقیم واقعی شامل «خسارات ناشی از مجازات‌ها یا جرایم مذکور در قرارداد»، «خسارات ناشی از فرصت از دست رفته (هزینه فرصت)» و یا «خسارات روحی و جسمی» نمی‌شود. تمام ادعاهای خسارات ناشی از عدم تایید و رد قرارداد، در فرآیند تصفیه مؤسسه قابل رسیدگی و پرداخت است و مشمول ضوابط مربوط به تصفیه می‌شود.

برای قراردادهای مالی واجد شرایط<sup>۳۰</sup> (QFCs)، قوانین اندکی متفاوت اعمال می‌شود. این قراردادها شامل قراردادهای اوراق بهادار، قراردادهای کالایی، قراردادهای آتی، موافقت‌نامه‌های باز خرید و موافقت‌نامه‌های سوآپ می‌باشند.

وقتی مقام تصفیه، قراردادهای مالی واجد شرایط (QFC) را تایید نکرده و رد می‌کند، خسارات از تاریخ رد/عدم تایید محاسبه شده و ممکن است شامل هزینه جایگزینی با یک قرارداد QFC دیگر باشد. این قوانین خاص برای حمایت از بازارهای مالی ایالات متحده ضروری است.

## ۲- اجرای قرارداد

مقام تصفیه علاوه بر توانایی رد یا عدم تایید قراردادها، از اختیارات قانونی محدودی برای الزام به اجرای قراردادها و یا جلوگیری از فسخ قراردادها توسط طرف مقابل قرارداد برخوردار است. این اختیارات برای مواقعی است که حفظ قرارداد منفعت بیشتری برای مقام تصفیه و فرایند تصفیه داشته باشد. هر شرط قراردادی که اجازه می‌دهد قرارداد به علت ورشکستگی یا انتصاب مقام تصفیه (یا موارد مشابه) فسخ شود، حتی با عدم تغییر آن قرارداد، در مقابل مقام تصفیه قابلیت اجرا ندارد.

همچنین حتی اگر مؤسسه ورشکسته در زمان بسته شدن، طبق مفاد قرارداد، از تعهدات خود نکول کرده باشد، مقام تصفیه می‌تواند از اعمال حق یا اختیار طرف دیگر قرارداد بدون رضایت خود (مقام تصفیه) در خصوص «فسخ قرارداد»، «سرعت بخشیدن برای اتخاذ هر اقدامی»، «افشا و اعلان عمومی و رسمی نکول مؤسسه» و «تصرف و یا تملک دارایی‌های مؤسسه» برای یک دوره زمانی ۹۰ روزه از تاریخ بسته شدن مؤسسه، ممانعت به عمل آورد.

FDIC در مقام قیم نیز از اختیارات مشابهی در این خصوص برخوردار است؛ اما فقط به مدت ۴۵ روز پس از انتصابش به عنوان قیم.

<sup>۳۰</sup> Qualified Financial Contracts (Qfcs)



## تعليق دعاوی قضایی

مقام تصفيه به عنوان یکی از طرفهای دعاوی قضایی مطرح عليه مؤسسه و رشکسته جایگزین می شود. نظر به این که در برخی اوقات مقام تصفيه برای ارزیابی و بررسی مدارک، مستندات، واقعیتها و چگونگی برخورد با این پروندهها نیاز به زمان بیشتری دارد، قانون این اجاره رابه مقام تصفيه می دهد که از دادگاه بخواهد؛ رسیدگی به دعاوی موصوف، متوقف شده یا تعليق گردد. این اختیار به دعاوی حقوقی ثبت شده پس از ورشکستگی مؤسسه نیز تسری پیدا می کند. توقف یا تعليق دعاوی با درخواست رسمی مقام تصفيه امکان پذیر است. هرچند دادگاه نمی تواند از اجرای درخواست رسمی ثبت شده مقام تصفيه در این رابطه امتناع ورزد.

عموماً پس از رفع تعليق دعاوی و ادامه یافتن رسیدگی به آنها، مقام تصفيه حق دارد که اختلافات را در دادگاه فدرالی یا دادگاه ایالتی حل و فصل کند. هرچند، زمانی که دعاوی قضایی از قبل در دادگاه ایالتی مطرح شده باشند، FDIC اختیار بیشتری برای حفظ آن در دادگاه ایالتی یا بردن آن به دادگاه فدرالی دارد.

در این زمینه قانون خاص محدود کننده ای برای مقام تصفيه وجود دارد که بر اساس آن، مقام تصفيه حداکثر تا ۶ سال برای ثبت دعاوی برای مطالبه قراردادهای و حداکثر تا ۳ سال برای شروع تحت پیگرد قرار دادن تخلفات مدنی<sup>۳۱</sup> (شبه جرم) فرصت دارد.

## اجتناب از نقل و انتقالات متقلبانه

مقام تصفيه می تواند از نقل و انتقالات متقلبانه جلوگیری نماید. بر اساس قانون بانکداری فدرال، مقام تصفيه می تواند از اجرای قراردادهای «وام با سود کمتر در مقابل وثیقه»<sup>۳۲</sup> که با هدف ورشکست ساختن مؤسسه یا به قصد ممانعت، تأخیر یا کلاهبرداری از مؤسسه و یا بستن کاران آن منعقد شده باشد، اجتناب ورزد.

<sup>۳۱</sup> tort suit - Tort actions are lawsuits that seek compensation for a civil wrong (as opposed to a crime) committed by one party against another party. They include lawsuits for personal injury or property damage due to negligence, as well as suits for libel, false arrest, and other disputes.

<sup>۳۲</sup> security interest



مقام تصفیه می تواند ظرف مدت ۵ سال از تاریخ انتصاب به این مقام، از هر نوع نقل و انتقال توسط متعهدین ممانعت به عمل آورد. این حق بر تمام حقوق متولی/قیم/مقام تصفیه دیگر و یا سایر اشخاص ارجحیت دارد.

### دفاعیات ویژه

در طول سال ها، قوانین فدرالی و تصمیمات دادگاه دفاعیات ویژه خاصی را برای FDIC در نقش مقام تصفیه ارایه کردند تا امکان انجام کارآمد امور حل و فصل یک مؤسسه ورشکسته فراهم شود.

### توافقات منعقدۀ نادرست برای مقام تصفیه الزام آور نیست

مقام تصفیه مانند مقام نظارت بانکی باید بتواند به دفاتر، اسناد و سوابق مؤسسه مالی ورشکسته برای ارزیابی درست و دقیق دارایی ها و بدهی های آن اتکا کند. برای مقام تصفیه، توانایی تکیه بر سوابق و دفاتر مؤسسه ورشکسته در حل و فصل امور مؤسسه و در تکمیل معاملات حل و فصل با کمترین هزینه، مانند فروش دارایی ها به اشخاص ثالث و وصول حداکثری بدهی های ناشی از ورشکستگی بانک یا مؤسسه وام و پس انداز بسیار حائز اهمیت است.

قوانین مختلف این موضوع را که مقام تصفیه نمی تواند موضوعی را در ثبت یک ادعا یا در دفاع در مقابل یک ادعا (علیه مقام تصفیه یا مؤسسه ورشکسته) در مراجع قضایی استفاده نماید، مگر این که آن موضوع و توافقنامه های مربوط، در دفاتر و یا سوابق مؤسسه مزبور به درستی ثبت شده باشد، کاملاً به رسمیت می شناسند.

بنابراین، استناد و رجوع به ادعای یک بدهکار (متعهد) مبنی بر وجود یک قرارداد به طرفیت مؤسسه ورشکسته در خصوص تغییر یا آزاد شدن تعهد بازپرداخت یک وام با توجه به سند طلب (سفته/...) که در سوابق و دفاتر مؤسسه مستند و ثبت نشده باشد، ممنوع است.





### دادگاهها ممکن است به مقام تصفیه دستور ندهند

کنگره برای FDIC (به عنوان مقام تصفیه)، از طریق ممنوع کردن دادگاهها از صدور احکام یا دستورات جبران خسارات مالی و غیر مالی که مانع تکمیل و اجرای اثربخش عملیات حل و فصل و انحلال مؤسسه ورشکسته می شود، حمایت های بیشتری را فراهم آورده است. برای مثال، قانون «U.S.C., Title ۱۲, section ۱۸۲۱ (j)» صدور حکم در زمینه جلوگیری از سلب مالکیت یا فروش دارایی های مؤسسه ورشکسته را ممنوع می کند. همچنین صدور هرگونه دستور توسط دادگاهها پیرامون به اجرا گذاردن یا تملک دارایی های مؤسسه ورشکسته که در اختیار مقام تصفیه قرار گرفته است ممنوع است. البته این مواد قانونی، جبران مالی خسارات وارده را ممنوع نمی کنند.

### تصفیه با مؤسسه برنده مزایده

FDIC و مؤسسه برنده مزایده بیشتر اقدامات پس از بسته شدن مؤسسه ورشکسته را در قالب فرآیند «تسویه»<sup>۳۳</sup> انجام می دهند. حوزه مسئول تصفیه در FDIC باید اطمینان حاصل نماید که انتقال دارایی ها و بدهی های مؤسسه ورشکسته، مطابق با شرایط توافق نامه P&A انجام می شود. فرآیند تصفیه با خرید یا تملک تمام یا بخشی از دارایی ها و بدهی های مؤسسه ورشکسته توسط مؤسسه برنده مزایده، شروع می شود و به طور معمول حداکثر تا ۳۶۴ روز ادامه می یابد. عملیات تسویه معمولاً همه موارد زیر را در بر می گیرد:

- اصلاح مغایرت های مربوط به مانده دارایی ها و بدهی های مؤسسه ورشکسته خریداری شده یا منتقل شده به مؤسسه برنده مزایده؛
- امکان استفاده از اختیار خرید و فروش، به وسیله مؤسسه برنده مزایده؛
- هرگونه باز خرید دارایی ها توسط مقام تصفیه یا هرگونه عودت دارایی ها به مقام تصفیه توسط مؤسسه برنده مزایده؛
- ارزش گذاری دارایی های فروخته شده به مؤسسه برنده مزایده بر اساس قیمت بازار.





## واژه نامه

- مؤسسه تعهدپذیر (AI) - یک مؤسسه مالی سالم که بخشی یا تمام دارایی ها را می خرد و تمام یا بخشی از بدهی های مؤسسه شکست خورده را در معامله P&A به عهده می گیرد.
- بررسی مجدد ارزش گذاری دارایی - بازبینی تمام دارایی های مؤسسه شکست خورده به منظور ارزیابی ارزش نقدشوندگی دارایی ها، این ارزیابی طبق مقرر قانون سال ۱۹۹۱ شرکت بهبود بیمه سپرده فدرال در تجزیه و تحلیل حداقل هزینه استفاده می شود. بازبینی ارزش گذاری دارایی ها ارزش دفتری دارایی های مؤسسه شکست خورده را مقایسه می کند.
- مطالبه - ادعای وجود بدهی مؤسسه شکست خورده به یک سپرده گذار، اعتباردهنده عمومی، دارنده بدهی تبعی یا سهامدار.
- سرپرست - شخص یا نهاد، مانند آژانس های دولتی که از جانب مقام نظارتی جهت به فعالیت واداشتن مؤسسه مالی مشکل دار در راستای تلاش برای حفظ، مدیریت و حفاظت از دارایی های مؤسسه مشکل دار منصوب می شود و تا زمانی است که مؤسسه به ثبات رسیده یا به وسیله مرجع صدور مجوز بسته شود.
- سرپرستی - نهاد موقت منصوب بعد از شخص ی انهدادی مانند آژانس دولتی که به وسیله مقام ناظر تعیین می شود تا مؤسسه مالی مشکل دار را تا زمانی که به ثبات برسد یا به وسیله مرجع مجوز بسته شود در راستای تلاش برای حفظ، مدیریت و حفاظت از دارایی های مؤسسه مشکل دار به فعالیت وا دارد.
- صندوق بیمه سپرده (DIF) - صندوق بیمه دارای مسئولیت جهت حمایت از سپرده گذاران مؤسسه مالی بیمه شده در مقابل زیان ناشی از شکست مؤسسه. این صندوق در ۳۱ مارس ۲۰۰۶ در نتیجه تصویب قانون الزام به ادغام صندوق بیمه بانک و صندوق بیمه مجمع پس انداز در سال ۲۰۰۵ متعاقب تصویب قانون اصلاح بیمه سپرده ها تأسیس شد. FDIC مدیر DIF است.
- بانک ملی بیمه سپرده (DINB) - قانون بانکداری سال ۱۹۳۳ که به FDIC اجازه داد تا یک بانک جدید تأسیس نماید (تحت عنوان DINB) تا سپرده های بیمه شده بانک شکست خورده



را بر عهده بگیرد (تعهد کند). تصویب این قانون به FDIC اجازه داد تا از طریق یک DINB که یک بانک ملی با مجوز اختیارات و عمر محدود است به سپرده‌گذاران یک مؤسسه شکست خورده تحت بیمه FDIC پرداختی داشته باشد. به سپرده‌گذاران DINB حداکثر تا ۲ سال زمان داده می‌شود تا حساب‌های بیمه شده خود را به دیگر مؤسسات منتقل کنند اما از سال ۲۰۰۹، DINB فراتر از ۳۰ روز تمدید نشده است. DINB به بانک شکست خورده اجازه می‌دهد تا به طریقی و سبکی منظم انحلال یابد و اختلال در جوامع محلی و بازارهای مالی را حداقل کند. در فرآیند تصفیه تمام دارایی‌ها باقی می‌ماند.

- بازپرداخت سپرده - یکی از شیوه‌های حل و فصل برای مؤسسات شکست خورده تحت بیمه FDIC است که در مواقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد که انحلال مؤسسه به عنوان کم‌هزینه‌ترین روش حل و فصل تعیین می‌گردد یا زمانی که هیچ مؤسسه تعهدپذیر (AI) یافت نشود. بازپرداخت سپرده‌ها عموماً ۳ شکل دارد: ۱- بازپرداخت سپرده مستقیم که در آن FDIC به طور مستقیم مبالغ هر یک از سپرده‌گذاران را بازپرداخت می‌کند. ۲- انتقال سپرده بیمه شده که در آن یک مؤسسه سالم به وسیله FDIC تأمین مالی می‌شود تا به عنوان نماینده آن فعالیت و بازپرداخت به مشتریان مؤسسه شکست خورده داشته باشد. ۳- و DINB (که پیش‌تر مطرح شد). بازپرداخت سپرده گاهی بازپرداخت نامیده می‌شود.
- قانون حمایت از مصرف‌کننده و بازسازی وال استریت داد فرانک - اصلاحات نظارتی مالی فدرالی که به تصویب ۱۱۱ امین کنگره ابالات متحده رسید و توسط رئیس‌جمهور باراک اوباما در ۲۱ جولای ۲۰۱۰ تبدیل به قانون شد. این قانون به عنوان راهکاری برای بحران اواخر دهه ۲۰۰۰ مصوب شد. این قانون به عنوان گسترده‌ترین تغییر مقررات مالی در ایالات متحده از زمان رکورد بزرگ مطرح شد. این موضوع منجر به تغییرات قابل ملاحظه‌ای در محیط نظارتی مالی آمریکا شد که تمام آژانس‌های نظارتی مالی فدرالی و تقریباً تمام جوانب صنعت خدماتی مالی ملی را تحت تأثیر قرار داد.
- بازرسی دقیق میدانی - بازرسی میدانی خریداران بالقوه از دفاتر و اسناد مؤسسه شکست خورده پیش از ورشکستگی یک مؤسسه. FDIC از خریداران بالقوه برای بررسی فایل‌های مرتبط (چه در مؤسسه و چه از طریق اتاق داده مجازی) دعوت می‌کند. بنابراین



آنان می‌توانند تصمیمات آگاهانه‌ای در خصوص ارزش دارایی‌های مؤسسه شکست‌خورده اتخاذ نمایند. همه خریداران بالقوه ابتدا باید موافقت‌نامه محرمانگی را امضا نمایند. علاوه بر این، ممکن است پیمانکارانی به منظور انجام بازدید دقیق میدانی و کار بر روی دارایی‌هایی که برای طرح‌های فروش دارایی‌های چند منظوره اختصاص داده شده‌اند، استخدام شوند. سرمایه‌گذاران با به خدمت گرفتن شرکت‌های بیرونی به منظور تهیه و تأیید بازرسی‌های دقیق مطمئن می‌شوند که یک منبع مستقل به آنها اطلاعات سرمایه‌گذاری قابل اعتماد خواهد داد.

- شکست - بسته شدن یک مؤسسه مالی به وسیله مرجع صدور مجوز آن و از طریق فسخ مجوز که توانایی مؤسسه در انعقاد قرارداد تجاری را به دلیل ورشکستگی مؤسسه، کفایت سرمایه بحرانی یا عدم توانایی برای خروج سپرده‌ها لغو می‌کند.
- قانون سال ۱۹۹۱ بهبود شرکت بیمه سپرده فدرال (FDICIA) - قانون فدرالی در سال ۱۹۹۱ برای هدایت بحران صنعت وام و پس‌انداز تصویب شد. FDICIA در صندوق بیمه بانکی سرمایه‌گذاری مجدد کرد، اختیارات مقررات بانکداری برای توقف فعالیت بانک‌های با سرمایه کم را گسترش داد و میزان حمایت موجود مصرف‌کنندگان را به مشتریان بانکی نیز تعمیم داد.
- سیستم فدرال رزرو (FED) - سیستم بانکداری مرکزی ایالات متحده که در سال ۱۹۱۳ برای فراهم کردن سیستم مالی و پولی ایمن، قلیل انعطاف‌تر و متعادل‌تر (پلیدارتر) برای کشور، توسط کنگره تأسیس شد. با طی سالیان نقش FED در بانکداری و اقتصاد گسترش پیدا کرد. FED سیاست پولی کشور را با ۳ ابزار اساسی هدایت می‌کند. ۱- عملیات بازار باز ۲- ذخایر قانونی و ۳- نرخ تنزیل. علاوه بر این FED نقش مهمی در نظارت و مقررات گذاری سیستم بانکداری ایالات متحده ایفا می‌کند. هیأت حاکم بر سیستم فدرال رزرو (هیأت فدرال رزرو) از ۷ عضو تشکیل شده است که برای دوره‌های زمانی ۱۴ ساله و به وسیله رئیس جمهور ایالات متحده و تأیید سنا تعیین می‌شوند. رئیس و نائب رئیس هیأت مدیره با این حال به مدت ۴ سال خدمت می‌کنند. سیاست‌های هیأت مدیره فدرال رزرو به وسیله همه ۱۲ بانک فدرال رزرو و منطقه‌ای اجرا می‌شود.



- شرکت بیمه وام و پس‌انداز فدرالی (FSLIC) - شرکت فدرال در سال ۱۹۳۴ برای بیمه سپرده‌های مؤسسات پس‌انداز توسط کنگره مجوز دریافت کرد. FSLIC همچنین به عنوان سرپرست یا مقام تصفیه مجامع پس‌انداز تحت بیمه شکست خورده یا مشکل‌دار نیز انجام خدمت کرده است. اول آوریل ۱۹۸۰ برای مؤسسات وام و پس‌انداز بیمه شده بسیار اثرگذار و مهم بود چرا که FSLIC حساب‌های پس‌انداز را تا ۱۰۰،۰۰۰ دلار بیمه کرد. FSLIC تحت هدایت هیأت مدیره بلنک هوم لون فدرال عمل می‌نمود که خدمات اداری و اجرایی قطعی را ارائه می‌کرد و آزمون‌ها و نظارت مؤسسات پس‌انداز و وام بیمه شده را انجام می‌داد. در سال ۱۹۸۹ کنگره FSLIC را لغو کرد و وظایف حل و فصل، سرپرستی و تصفیه‌گری او را به RTC و مسئولیت‌های وی در قبال DIF را به صندوق بیمه نهاد پس‌انداز که توسط FDIC مدیریت می‌شد منتقل نمود.
- امهال - یک روش حل و فصل بانکی است که برخی از مؤسسات ضعیف که به روشی ایمن و سالم فعالیت می‌کنند از حداقل سرمایه مورد نیاز معاف می‌کند. روش امهال توسط FDIC در اواسط دهه ۱۹۸۰ مورد استفاده قرار گرفت که برای مؤسسات با مدیریت خوب و سالم اقتصادی و با تمرکز ۲۵٪ یا بیشتر سبد تسهیلاتشان بر روی تسهیلات کشاورزی یا انرژی، طراحی شده بود.
- همچنین امهال به معنی مدیریت وام‌های معوق نیز هست. توافق امهال یک توافقنامه کتبی است که نشان می‌دهد که یک قرض دهنده تا زمانی که مقام تصفیه طبق توافقات خاص انجام شده عمل نماید، اقدام در خصوص حقوق خود را به تأخیر می‌اندازد. (در خصوص ترهین وام مسکن)
- طلبکاران عمومی - اشخاص از جمله سپرده‌گذاران بیمه نشده، تأمین‌کنندگان، معامله‌گران و پیمانکاران با مطالبات بیمه نشده در مقابل مؤسسه مالی شکست خورده.
- توافقات حفظ درآمد - روش حل و فصل مورد استفاده FDIC در اوایل دهه ۱۹۸۰ به منظور تضمین نرخ بازار بازدهی دارایی‌های به دست آمده از بانک وام و پس‌انداز شکست خورده. FDIC به خریدار، طلبه‌التفاوت بین بازده دارایی‌های به دست آمده و هزینه متوسط وجوه بانک پس‌انداز را پرداخت می‌کرد.



- سپرده بیمه شده - بخشی از سپرده در یک بانک تجاری، بانک پس انداز یا انجمن پس انداز تحت بیمه FDIC که به طور کامل توسط بیمه سپرده FDIC حمایت می شود. حساب پس انداز، حساب چک و سایر حساب های سپرده، هنگامی که ترکیب می شوند، عموماً تا سقف ۲۵۰,۰۰۰ دلار به ازای هر سپرده گذار در هر مؤسسه مالی تحت بیمه FDIC، بیمه می گردند. حسابهای نگهداری شده در دسته بندی های مختلف مالکیتی مثل انفرادی و اشتراکی، جداگانه بیمه می شوند. همچنین پوشش ۲۵۰,۰۰۰ دلاری جداگانه، معمولاً برای حساب های بازنشستگی مثل حساب بازنشستگی (انفرادی) ارائه می شود.
- انتقال سپرده بیمه شده (IDT) - نوعی از بازپرداخت سپرده که در آن سپرده های بیمه شده و محافظت شده یک بانک بسته شده یا مؤسسه وام و پس انداز به یک مقام تصفیه یا نماینده مؤسسه در جامعه منتقل می شود و بازپرداخت مستقیم به سپرده گذاران مؤسسه شکست خورده را توسط مؤسسه عامل ممکن می نماید. مؤسسه عامل به مشتریان مؤسسه شکست خورده مبالغ سپرده های بیمه شده شان را پرداخت می کند یا حسب درخواست مشتری حساب جدیدی در مؤسسه عامل برای مشتری افتتاح می کنند. زمانی که هیچ مؤسسه تعهدپذیری برای بانک ورشکسته یافت نشود. انتقال سپرده بیمه شده یک جایگزین برای بازپرداخت مستقیم سپرده محسوب می شود.
- آزمون حداقل هزینه - روشی است طراحی شده توسط FDICIA که FDIC را ملزم به پایه ریزی و اجرای روش حل و فصل جایگزینی می نماید که محرز شده باشد از روش های حل و فصل ممکن برای صندوق سپرده بیمه مربوطه (شامل انحلال مؤسسه شکست خورده) کم هزینه تر است. پیش از مصوبه FDICIA، FDIC می توانست هر روش حل و فصل جایگزین را تا زمانی که آن روش کم هزینه تر از بازپرداخت سپرده به همراه انحلال دارایی های مؤسسه شکست خورده بود، دنبال کند.
- انحلال - متوقف شدن امور تجاری و عملیاتی مؤسسه سپرده پذیر بیمه شده و شکست خورده، از طریق انجام محاسبات تغییر وضعیت دارایی هایش بعد از اینکه در اختیار مقام تصفیه قرار گرفته است.



- اشتراک ضرر (مشترک نمودن ضرر) - روشی در معاملات P&A که در آن FDIC به عنوان مقام تصفیه موافقت می‌نماید در زیان انواع خاصی از وام‌ها، با خریداران شریک شود. اشتراک ضرر ممکن است توسط مقام تصفیه در ارتباط با فروش تسهیلات غیرجاری یا طبقه بندی شده پیشنهاد شود که ممکن است در زمان حل و فصل از طرق دیگر به خریدار فروخته نشود. FDIC معمولاً بخش قابل توجهی (مثلاً ۸۰٪) از زیان‌های آتی دارایی‌های واگذار شده‌ای را که برای دوره زمانی خاصی (مثلاً ۳ تا ۵ سال) به عنوان دارایی‌های با زیان مشترک تعیین شده‌اند، تقبل می‌کند. منطق اقتصادی برای معاملات این چنینی این است که نگهداری دارایی‌های با زیان مشترک در بخش بانکی، بازگشت خالص بهتری نسبت به انحلال دارایی‌ها توسط FDIC حاصل خواهد کرد.
- دفتر حسابرسی ارز (OCC) - دفتری است در وزارت خزانه داری ایالات متحده که در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد. OCC به بانک‌های ملی و مؤسسات وام و پس‌انداز مجاز فدرالی، مجوز می‌دهد و بر آنها نظارت و مقررات‌گذاری می‌نماید که معمولاً می‌توان آنها را شناخت چرا که کلمه "ملی" یا "نهاد ملی" را در نامشان دارند. OCC ناظر و تنظیم‌کننده شعب دارای مجوز فدرالی و نماینده بانک‌های خارجی تجاری در ایالات متحده نیز هست. کنترل‌کننده ارز که یکی از پنج مدیر FDIC و رئیس OCC است، توسط رئیس جمهور و تأیید سنا منصوب می‌شود.
- دفتر نظارت بر مؤسسات وام و پس‌انداز - سازمانی است در وزارت خزانه داری ایالات متحده که در ۹ اگوست سال ۱۹۸۶ تحت قانون بهبود و اجرای اصلاحات مؤسسات مالی تأسیس شد تا بر مؤسسات وام و پس‌انداز دارای مجوز فدرالی نظارت کند و به آنها انتظام بخشیده و مورد آزمون قرار دهد. در ۲۱ جولای ۲۰۱۱ اداره نظارت بر مؤسسات وام و پس‌انداز در OCC که جانشین ناظر مؤسسات مجوزدار وام و پس‌انداز فدرالی بود ادغام شد.
- مساعدت به بانک در حال فعالیت (OBA) - روشی در حل و فصل که یک مؤسسه بیمه شده در خطر شکست از FDIC در قالب وام‌های مستقیم، مشارکت‌ها، سپرده‌ها، خرید دارایی‌ها،





- تا قبول بدهی ها کمک دریافت می کرد. قانون اصلاحات و حمایت از مصرف کننده وال استریت داد فرانک که در سال ۲۰۱۰ تصویب شد این گزینه را حذف کرد.
- بازپرداخت- روشی در حل و فصل بانک ورشکسته یا مؤسسات وام و پس انداز که در آن FDIC به طور مستقیم، مبالغ و سپرده گذار بیمه شده را پرداخت می نماید که گاهی هم به عنوان بازپرداخت سپرده شناخته می شود.
  - خرید و پذیرش (P&A)- روشی در حل و فصل که در آن مؤسسه بیمه شده سالم تمام یا بخشی از دارایی های یک بانک یا مؤسسه وام و پس انداز شکست خورده را میخرد یا بدهی های سپرده وی را تقبل می کند. براساس روش "مورد به مورد"، پیشنهاد مؤسسه تعهدپذیر ممکن است برای مجاز شدن پذیرش تمام بدهی های سپرده مؤسسه در حال ورشکستگی از جمله سپرده های بیمه نشده کافی باشد.
  - قرارداد مالی واجد شرایط (QFC)- نوعی از توافق مالی که شامل قراردادهای اوراق بهادار، قراردادهای اوراق بهادار قراردادهای آتی توافقات باز خرید و توافقات سوآپ می شود اما محدود به این موارد نیست. زمانی که مقام تصفیه ای یک قرارداد QFC را رد می کند خسارات از تاریخ رد قرارداد محاسبه می شود که می تواند شامل هزینه دستیابی به یک QFC جایگزین باشد. قوانین خاص حاکم بر نفی QFC ها نیز به منظور حمایت از بازارهای مالی داخلی وجود دارد.
  - مقام تصفیه- شخص یا نهادی مانند آژانس های دولتی، که برای رسیدگی به دارایی ها و بدهی های مؤسسه سپرده گذاری بیمه شده شکست خورده تعیین می شوند. مقام تصفیه در به دست آوردن تمام سرمایه و دارایی های تحت مالکیت مؤسسه شکست خورده موفق عمل می نماید. کنگره FDIC را ملزم کرد تا مقام تصفیه مؤسسات سپرده گذار بیمه شده فدرالی باشد. FDIC می تواند انتصاب به عنوان مقام تصفیه مؤسسه بیمه شده دارای مجوز دولتی را بپذیرد و این اختیار را دارد که تحت شرایط خاصی خود را به عنوان مقام تصفیه مؤسسه سپرده گذار بیمه شده دارای مجوز دولتی منصوب کند.



- گواهی تصفیه - سندی است صادر شده توسط FDIC به عنوان مقام تصفیه مؤسسه شکست خورده، که نشان دهنده تمام مبالغ مطالبات تأیید شده هر سپرده گذار یا اعتبار دهنده بیمه نشده از مؤسسه شکست خورده طی فرآیند تصفیه، می باشد.
- رد/ نفی - قانونی که به وسیله آن مقام تصفیه (سرپرست) می تواند از حقوق خود برای عدم تایید تعهدات قراردادی سنگین که قبلاً توسط مؤسسه سپرده گذاری بیمه شده شکست خورده پذیرش شده است، استفاده کند. مقام تصفیه چنین اقدامی را فقط اگر قراردادهای به طور قابل ملاحظه ای غیر عادلانه باشند و این عمل موجب ارتقای مدیریت یکپارچه دارایی دریافتی شود، انجام می دهند. قانون FDI این امکان را فراهم می کند که قراردادهای معینی قابل نفی کردن نباشند.
- حل و فصل - طرح واگذاری مؤسسه ورشکسته، که به منظور حمایت از سپرده گذاران بیمه شده و حداقل نمودن زیان های وارده به صندوق بیمه (که از تحت پوشش قراردادان سپرده های بیمه شده و واگذاری دارایی های مؤسسه انتظار می رود) طراحی شده است. روشهای حل و فصل معمولاً شامل معاملات تعهد و پذیرش، انتقال سپرده بیمه شده و بازپرداخت مستقیم سپرده می باشد. همچنین روش حل و فصل می تواند از طریق مساعدت بانک باز به طرح مساعدت برای یک مؤسسه شکست خورده تبدیل شود.
- شرکت (RTC) - نهادی که در سال ۱۹۸۹ به وسیله قانون بازسازی و اجرای اصلاح مؤسسات مالی تاسیس شد تا به مؤسسات وام و پس انداز ورشکسته و به واگذاری دارایی های ناشی از شکست مؤسسات وام و پس انداز در طی بحران دهه ۱۹۸۰ کمک نماید. این شرکت از ۹ آگوست سال ۱۹۸۹ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵ فعال بود.
- بازپرداخت مستقیم سپرده - یکی از روشهای حل و فصل مؤسسات شکست خورده تحت بیمه FDIC که هنگامی که انحلال، خاتمه فعالیت یا توقف فعالیت ها به عنوان کم هزینه ترین روش حل و فصل مؤسسه تعیین می شود، مورد استفاده قرار می گیرد. بازپرداخت مستقیم سپرده یکی از سه روش بازپرداخت سپره است. در این روش، FDIC مبالغ سپرده های بیمه شده را تعیین و همان مبالغ را به هر سپرده گذار پرداخت می کند. FDIC به عنوان مقام



تصفیه، تمام دارایی‌ها و بدهی‌ها را حفظ و فرآیند تصفیه کلیه هزینه‌های ناشی از انحلال تمام دارایی‌ها را متحمل می‌شود.

- مؤسسه وام و پس‌انداز - یک مؤسسه مالی که به طور معمول دارای نقش‌های سپرده‌گذاری، اعتباردهی، واسطه‌گری مالی و عملکردهای تراکنش‌های بانکی مشابه بانک است، اما سازماندهی عمده و عملکرد اصلی آن به جای تسهیلات تجاری، بهبود پس‌انداز و اعطای تسهیلات مسکن است. مؤسسه وام و پس‌انداز می‌تواند به عنوان بانک پس‌انداز، شرکت پس‌انداز و یا شرکت وام و پس‌انداز شناخته شود.
- سپرده بیمه نشده - مبالغ سپرده در مؤسسه مالی که بیشتر از مبالغ بیمه شده صندوق DIF تحت نظر FDIC و براساس طبقه مالکیت سپرده است.
- ابزار افزایش ارزش (VAI) - گزینه‌ای که توسط مؤسسه تعهدپذیر بالقوه (به عنوان یکی از طرفین مناقصه) مطرح و به FDIC ضمانت می‌دهد که FDIC سهام شرکت‌کننده در مناقصه را با قیمتی معین در تاریخ معین خریداری نماید. این امر FDIC را قادر می‌سازد تا در هر گونه افزایش در ارزش بازار سهام مناقصه‌گر که ممکن است از ورود به حل و فصل مؤسسه ورشکسته ناشی شود، مشارکت کند. پیشنهادات ثبت شده با اختیار VAI می‌توانند ارزش کلی پیشنهاد را افزایش دهند.